

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0423

<http://hdl.handle.net/2333.1/tmpg4fc3>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu



العلماء والادباء

راجع باقتصاد و اخلاق معنی

مصنفه

محمد سیگم موسسه اخبار تهذیب النسون

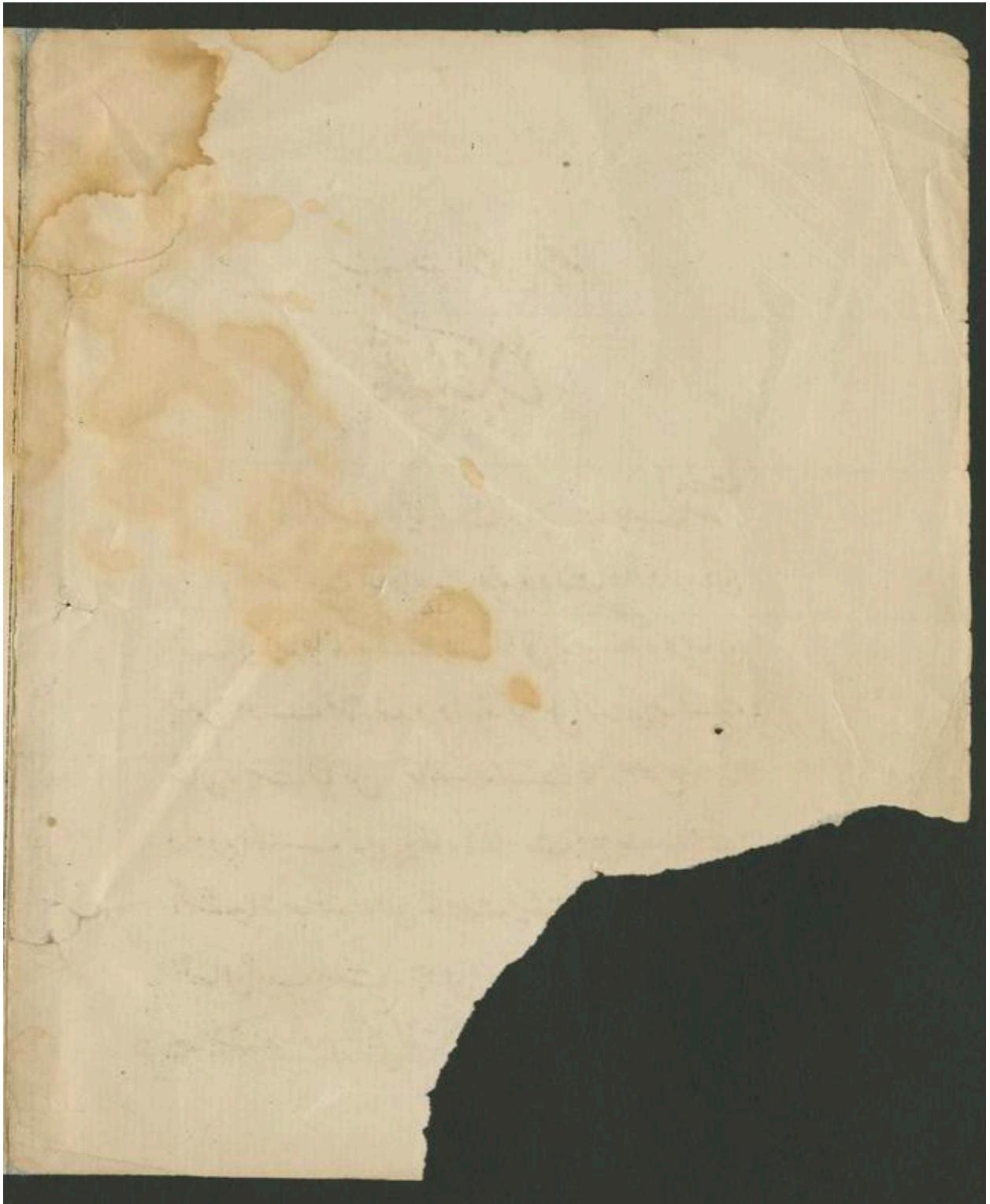
ترجمه محمد حسین رئیس تدریس

جهه استفادة معلمات و متعلقات

مطبعة شركت رفیق

دار السلطنة كازان

تعداد (۱۲۰۰) ۱۳۰۷



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مَهْیَبًا

هر جانداریکه در دنیا هست ضرورتی جای سکون
 و آرام و حفاظت از حرارت و سردی و دلت دارد اما بدون
 انسان همه جاندارها از طرف خالق بر جسم خود چنان
 چشم یا موهای خلق شده دارند که مثل انسان براس
 شان حاجت لها من نماند - براسی خانه بعضی جاندارها
 در سوراخهاست زمین یا غارها زیرت لبه میآرند و بعضی
 آشیانه ساخته در آن اقامت میکنند اما حال حضرت
 انسان عجیب است - چون این در حالت وحشیست
 میباشد آدم جنگلی گفته میشود، و از بر کههاست و خنجا

یا پوست های حیوانات بدنش را می پوشد
 و در جنگل در سموچها و غارها می باشد، و چون در تنه زیب
 ترقی کرده می باشد لباس بیشین بهای تنه زیب کنجاس
 زیب تنه نماید و در قصرها و محلی های نهایت عالیشان
 امتراحت میکنند بدین حدیکه مرده هایش در تاج محل
 می خسپند.

برای مخلوق چنین مختلف الفروض و ریات نشاندادن
 یک قاعده کلیه که چطور خانه و چه قسم پوشاک باید داشته باشد
 معافی برای شهری های عامی که بدرجه اوسط
 صاحب ثروت و تعلیم یافته اند، اشارت چند در باب
 اداره خانه بیان کردن مفید خواهد بود.

خانه

سه سخن در پسندیدن خانه

امرا اول در پسندیدن خانه رخ هوا سردت و دو هم نشیب
 و فراز زمین، و سوم هم سایه ها.

کتابخانه و موزه اسناد ملی ایران

۵
بلحاظ رخ هوا و آفتاب آن خانه ناقابل آرام شبند
که شمال روید باشند و چنین مکانات، در موسم گرمی
و سردی و باران، راحت میسر میآید. اگر توفیق خداوند
انسان خود خانه بسازد باید همیشه شمال روید باشد. اگر بکرایم
این امر باید بالضرورت نظر داشت. اگر در خانه منازل
متعدد باشند اطاق شمال رخ را باید آرام ده شرین شمرد
برای این مطلب باید در آن دریا، دریاچه یا درشن دان باشد
بسیار باشد تا هر وقت هوا را تازه درآید و هوا را
مستعمل برآید. چون با تنفس میکنیم هوا را تازه در سینه
رفته سرخی خون را افزوده روح را مایه زندگی بجهم میرساند. چون
از دیگر تنفس هوا را اندرونی را بیرون میکشیم آن غلاطت
داخلی و کثافت خون را اخراج میکند. شش انسان یک
بمبار است که شب و روز و هر آن در همین کار مشغول است
که هوا را خوب را اندرون و هوا را کثیف را خارج میسازد
این هوا را کثیف و زهر آمود و هوا را باقی خانه میخند

لطافت آنرا تقلیل و خلافتش را کثیر مینماید حتی در همه اے
 مستعمل تاثیر اقامه زندگانی و تازگی بخشی روح بالکل نمایاند
 پس خیال کنید که اگر در خانه بسیار مردم باشند و آنس
 اے همه شان هر لحظه در همه کثافت زیاد شده برود هوا
 آن اطاق بچه سرعت بر اے زندگانی انسانی مضرب خواهد بود
 بر اے مزاحمت این خرابی باید در خانه دروازه ها کلکین اے
 متعدد اے باشند که از آنها هوا اے تازه در آید منگدر اے
 بر ارد - اگر در اے و در بچه اے و بروسی یکدیگر باشند آمد و رفت
 هوا آسانی و شتابی میباشد .

بر اے صحت انسان همانقدر بکه ضرورت هوا است .
 آفتاب نیز همان اندازه محتاج به است - در خانه اے نیکه آفتاب
 یا روشنی نھے آید اندیشه مرض زیاده تر میباشد - بر اے
 انمداد طاعون هزار اے اندیشه شده اے ایکی هم کار
 نیفتاد فقط فائده درین متصور گشت که از خانه طاعون زده
 سقف برداشته و رود آفتاب آزاد گردد .

اگر لباس های بسیار متعدد می راجند می در آفتاب
بگذارید اثر زهر مرض زائل میگردد.

اثر نشیب و فراز زمین بر صحت بسیار می افتد در
خانه نشیبی آب باران بسیار جمع گشته و چسبندگی خاک
بخار است متعفن می برارد و نیز از نم امراض متنوع تولید
میشوند اگر مجبوراً خانه در زمین نشیب دار ساخته یا گرفتار
افتد باید پرانه و بلند گردانیده شود اگر بگرایه باشد اقامت
در منزل بالا باید گزید اما با وجود این احتیاطها از خطرات
آن محفوظ ماندن مشکل است.

در جنگل و صحرا نزدیک کشت های نیکه انبارها دارند و از آنها
بوسی بدی برخاسته و باغ را پریشان می سازد تکلیف
ده و بسیار مضر صحت است

همیشه باید این امر ملحوظ داشت که در قریب وجود خانه
بمسایه های شریف باشند با حیات انسان رنج
و درد و مرض و غیره وابسته است هنگام مشکل خرد فاشا

مواسات خواهند ورزید - گاه بیگاه با اعتمادشان از خانه
 جدا مانده میتوانید - ازین بیشتر موجب خطر اینست که اگر
 همسایه مارزویل باشند با هم داد و دشنام نموده او
 آن در خانه شما خواهد رسید و کوشهای اطفال معصوم
 با خشنان فحش آشنا خواهند کردید که امر تا سلف خیر نیست.

حصه خانه

جهت اغراض مختلف تقسیم خانه چنین نموده میشود که
 یک جاے برای خواب باید و یکے برای نشست
 و برخاست همگنان، یک تھویلمانے یک آشپزخانه یک
 غسلخانه، یک بیت انخلا اما در صورت تنگی فقط یک اطاق
 میباشد که گوشه های آن طرف و اجناس و غیره نهاد
 میشود و یک بیت انخلا میباشد - برای خواب شب
 چار پائی انداخته میشود و صبح آنها را برداشته یکدور
 برای نشستن میگذارند - برای غسل در حوالی صحن

دو چارپائی ایستاده کرده بر آنها چادر انداخته غسلخانه ساخته میشود. براسه ماندن اشیا یک بوری بلکه محض زمین که کل شدگی کافی شمرده میشود.

اما براسه اشخاص مستطیع چون سامان اسایش بسیار میباشد، خانه های شان هم متعدد و پیداشند مثلاً یک براسه خواب یک براسه فرنی یا کتبخانه، یک براسه ملاقات یک براسه لباس و آرایش و غیره و غیره.

در خانه های متوسط ضرور است که یک اطاق کلان براسه نشستن همگی و اختلاط باشد. یک اطاق خور و فرین لازم است که در آن بخاری، جا سه چراغ قلم و دو ات و کاغذ و ساعت باشد. یک جا سه اعلی براسه قرآن جمید ضرور است.

در جا سه نشست تا بلند می دو نیم فوت کاغذ یا نگا بر دیوار لازم است تا بوقت تکیه کردن لباس از سفیدی آلوده نگردد. درین اطاق یک تفدان بکار است

آینه و کلاس، مقوله کاغذات و ضروری قلم پینسل
 چاقو ربر، جاذب و لفاغه، و غیره لزوم دارد.
 اگر اطاق ملاقات بطریق یورپی آراسته شود، گذاشتن
 چپک در آنجا سخت معیوب است، فرش خوشنما
 با چوکیها، نفیس، بریکت، گلدانها پرده، تصویرها غیره
 مناسب است.

بهر دو صورت آید سخن چکها بر دروازه با ضرورت است.
 علاوه بر خوشنمای فواید چند از اینها مرتب میشود و مکتب درآمد
 نمی توانند، در صورت خورد و نوش، چون هر کس تا حد
 تنهایی و علیحدگی میخواهد از چک این خواست حاصل میشود، چون شخص
 هر وقت برای ملاقات آمده نمیباشد و نه مقدارت
 دربان نگاه داشتن بواسطه همه میسر میباشد، از میان
 چک احباب را دیده براس ملاقات نشان تهیه
 مینماید.

تفدان درست بر آبر فانه لازم است نه تنها براس آنها
 بیکه

کدام عمل داشته باشند بلکه براسه همگی تا دیوار یا فرش
ملوث نگردد - فقدان یورپی سبک و ارزان میباشد
و نیز باسانی پاک هم کرده میشود. بهر حال لازم است که
بر فرش و دیوار لعاب دهن نیفتد

ساله دو بار ورنه یک کرت لازم است که خانه را
سفید کرده شود - چون براسه دفع کردن عفونت و گند
هوا تاثیر عمیق دارد - بعد از مرض جلدک ، بالضر و رخا سفید
کرده شود اگر چه پیشتر سفید باشد - اگر کسی استظا
سفیدی ندارد ، گل زرد و غصیره کفایت میکند اما
آئینش سرگین ممنوع است .

در گرد و نواح خانه یا در کدام حصه آن باید آب جذب نشود
از آن تب ناسه موسمی تولید میشوند و از نم و رطوبت اهل
خانه دائم المرض میگرددند لهذا باید خانه را خشک نگاه داشته
شوند - این نم نمونا از بیت الخلاء خانه و مبلخ پیدا میشود
در پاک و صاف کردن آنها احتیاط زیاد مطلوب است

بدرفت اینها باید از چونه و گچ ساخته شود بلکه از سیمینط
تا آب جذب نشود و اگر این بدرفت تا بیرون برود
باید آب در راه ایستاده نشود بلکه راست بدرود.
اگر در نزد یک خانه تان بدرفتی نباشد بای خود شما چاه بچک
پخته بسازید که در آنها همه روز آب فراهم آمده برود و روزی
آن از خانه دور انداخته شود. جمع ماندن آب روزها و کشیدن
آن بعد از یک هفته بسیار غلط است. از صفائی هر روز
اهل خانه از عفونت نجات میابند و بار کشیدن آن قیسم بر
سبک میگردد.

برای دور کردن گرد و پیش گری با آب پاشی خوب
چیز است اما کثرت آن اینقدر نباید که در خانه هر وقت نم
قایم بماند. آب چاه بچه های غسانخانه برای آب پاشی
مضر صحت است بخارات آب گنده در هوا پدید آید
بینی و دهان در تنفس رفته خون را خراب میکنند پس برای
آب پاشی همیشه آب صاف باید استعمال کرد.

در صورتی که در خانه آب پاشی
نمایند باید در آنجا
آب پاشی را
هر روز
بکنند

بعد از سفیده کاری و کبکگل که این هم صفائی قسم خاص است
 صفائی عام روزانه نهایت ضرورت است که تعلق بخاک روی بنا
 و نگرانی آن متعلق خانم خانه است زیرا که آنرا عمود کار است
 خود غفلت میورزند پس خانم باید هر سونظر انداخته خوب
 ملاحظه کند که همه جایها پاک و صاف کرده شده است مثلاً
 چاه بچه غسانخانه بیت انخاله غمراغچه بطور کلی صاف نموده شود
 هنگام خاک رویی بر اسباب و کالاهای یک چادر باید انداخت
 ورنه همه گرد بر سر آن خواهد نشست پس چادر بعد از آن باید
 تکانه شود - با وجود آن بیک صفائی یا دستمال همه اشیاء
 خانه را باید بعد از خاک رویی پاک کرد - نه تنها میز، کتابها، و صندوقها
 بلکه چو کپها، پله در و ازه ها و چو کت و غیره همه چیزها بعد از پاک کرده
 شود تا بر هیچ چیز گرد باقی نماند

علاوه برین صفائی از فومره بعد از هر هفته یا پانزده روز بالا
 اکثر در هر ماه نظافت کل خانه لازم است یعنی فرش بور یا گلیم
 صندوق میز چوکی و همه اسباب باید بیرون کشیده و نشسته

کتابخانه خانم غمراغچه

در آفتاب نهاد - بعد صاف کردن زمین و دیوارهای
اطاقها و پاک کردن آینه های دروازه ها و زنها هم چیرا
بقیه خود پس باید گذشت - از نیکوئی صفائی نه صرف خس
و خاشاک پوشیده بطریق تام میراید بلکه موشها و غیره که در
گوشه ها و زیر صند و قها و فروش ضرر رسانی دارند بروقت اطلاع
رسیده تدارک نقص آینده کرده میشود.

برای صفائی اگر این طرز در میانی اختیار کرده شود که کم
حصه خاص خانه مثلاً یک یک اطاق هر هفته پاک کرده شود باعث ^{سخت} بهبود
زیر ابعاد از پانزده روز یا ماه کل خانه را صاف کردن در یک روز
مشکل است و اگر همه روز بان متوجه بمانند در کارها روزمره خود
هر چه مقصود است - بهر کیف اینگونه انتظام هر خانم ضروریات خود را

مد نظر داشته بقرار آسانی خود تجویز مناسب میتواند کرد -
در خانه های پرده دار با خاصه چون تنگ و خور و از خانه ها گرد و نواح مخصوصا
چنانکه در شهرها بزرگ میباشد در گرمی و حرارت محسوس میشود چه گذر هوا
بسیار کم میباشد و از شدت حرارت و بندش هوا خواب مجال میکند
اگر بر آس و قعیه این حرمت بالا خانه یا حیثاتی ساخته شود باید آنرا از رخ
هوا کشاده داشت و دیوارهای آنرا بسیار باید بلند نکرد

کتابخانه آستان قدس

۱۰ مَطْبَخ

برطعام مدارحیات است - همه کار و بار دنیا براس
شکم است - بخاطر همین بلا مادر و پدر ما حوا و آدم از بهشت
برآمدند - بخیر خانه بطریقے میتوان زیست بدون لباس گرم
وحشی میگذرانند اما در وزخ شکم از خوراک پر نشود انسان قرار
نمیابد - در تقسیم اعمال چنان انتظام نخت و بزباد با خود
اسپرده شده است و این کار بزنها چنین اختصاص گرفته است
که فرض اصلی و غرض خلقت شان همین تصور کرده میشود که آنها
اداره رزق نصف مخلوق جهان را نمایند - درین حال این قصه کتبا
قابل توجه خاص و غیر است .

اگر موقع تعمیر مطبخ در پیش آید یا از خانه های متعدد
سراسر کدام اطاق براس مطبخ مختص کردن افتد
این امر باید ملحوظ داشت که آتشپزخانه شمال رو نباشد زیرا
چون اسے این سمت همه ساله کم و بیش جاری میباشد

زود
 چون دود می براید هوا آنرا واپس آورده باعث عذاب میسازد
 در خانه های مساکین و مردم متوسطه در خانه های
 اغنیا، همه در زمستان در مطبخ جمع شده تناول آن نمایند
 و در آتش نشسته اختلاط میدارند، اگر شمال دود را پس در آرد

البته موجب کلفتی شایسته است.

اگر رخ هوا امکان داشته نباشد که تعمیر یا انتخاب مطبخ منوط
 شود و انتظام دیکد آنها چنین کرده شود که دود در آن نماند
 این مطلب بصورت بخاری در دیوار دیکدان با ساخته بالا
 آنها محراب پیش کشیده شود تا دود از راه بخاری بالا رود
 لازم نیست که در تمام طول دیوار دیکد آنها ساخته شود بلکه
 ضرورت یک یا دو گز از دیوار گرفته شود. دیکد آنها چنانکه
 قاعده است، دولا یعنی پس و پیش باشند که از آن در بنیم
 اقساما مترتب میشود.

بودن طاقچه سه چند و یکد و الماری در مطبخ ضرورت است
 که در آن اشیای خورد و ریزه نهاده شود.

در مطبخ یک بدرفت و کله فرش پخته بر آستین بپوشند
 از ضروریات است تا از آب گل و لاله نشود اما درین
 بدرفت جالی یا یک زویخ آهنی نصب کردن لازم است
 تا پیشک در آمده نتواند ورزند با وجود سد با سپ از طرف اطعمه
 الطمینان نمیشود.

اگر در مطبخ بدر رو آب نباشد آب شسته ظروف برین
 انداخته لاله نباید کرد بلکه آنرا در کدام کالاجمع باید کرد
 مثلا کدام ستل مختص یا تغاره چون آن پر شود آتش بیرون انداخته
 شود آب شسته غله بسیار زود بوسیده شده و لکه کرها
 میگرد و لهند انداختن چنین آب در خانه خوب نیست البته اگر هم
 گریا باشد و صحن سراسه خام آبپاشی آن مضائقه دارد بلکه
 آن آب شسته تازه باشد.

در حالت استطاعت البته حجره اجناس جدا میباشند بصورت
 تنگی در خود مطبخ نهاده میشود بهر کیف همه اشیا را باید بجا
 مناسب شان نهاد.

طعمه

د نظر و فیکه چیز با سے خوردنی مثل آرد و صوب و روغن و قند و غیره
 مانده میشود و از احتیاط بدان آنها باید نسبت تا موش و غیره آرد
 نقص نرسانند. بعض اوقات در عجلت کدام خانم سرپوش ظرفی
 بمواسشته چیز سے از آن میگیرد و بعدل میگوید که دیگر وقت پیر
 پس میگذرم بعد از یاد رفتن آن ظرف همچنان و امیما موشها
 در آند ضرر میرسانند. ظروف یا خانه های نیکه در آن اشیا
 خوراکی باشد هرگز و نباید گذاشت بلکه از ترس شکست چنان
 نباید گذاشت که باسانی باز شده بتواند زیرا اگر چه در نزدی
 و هشتمیاری تیز است.

در بعض چیزها مورچه با سے در آید مثلاً در روغن شهید یا مریا و غیره
 پس صفائی اینها خیلی دشوار میگردد و لهذا آنها را باید محکم
 تنگ بست و رنه از اندک غفلت نقص زیاد کشیدنی می
 بعض ظرفها سے بوسید و کهنه را موشها بریده
 میستوانند دخترها سے لائق باید ازین امر غافل
 نباشند.

سَافَاتِ مَطْبَعَةٍ

بعض ظروف چنانست که در هر خانه ضرورت آنها ^{به} می افتد
 مثلاً بشقابها، خور و وکلان، چغوبال، آشگیر، کارد
 گوگرد و غیره لیکن دیگر استیاست که از موجودگی آنها در
 اداره خانه بسیار سهولت و معاونت بهم میرسد
 از آنجمله نامها، بعض چیزها اینست: فیوان، روغن داغ
 کرانی، لگن، بیلن، چکله، الماری جالیدار، ماشین قهوه منقل
 آهنی، سٹو و یادگدان، انگریزی، ماون، تاشین تخم لمت کردن
 فیوان یک قسم روغن داغ بزرگ است که ازان بیشتر طعام
 در آن پخته میشود. کرانی مثل روغن داغ در خانه براے بر داشتین
 لزوم دارد بیلن چکله براے هموار کردن نان یا موسه بکار
 آید.

الماری جالیدار که در خانه ماے ما مردم کم مستعمل است
 بسیار چیز مفید است. استیایانیکه بدون هوا خراب

میشوند، بغیر سیم گربه و موش درین میتوان گذاشت مثلاً گوشت
شیر و سایر شیرها مثل آن.

ماستین قیمه براس کباب کوفته و غیره ضرور است -
چون کباب، خاطر خواه قیمه نمیکند بلکه همه حصه های گوشت یا
مختلطاً کوفته میدهند لهذا این ماستین اگر در خانه باشد حسب خودش
قیمه صاف و بی لوث میشود.

منقل اینجهدت لازم است که کدام وقت بیرون مطبخ هم
بعض چیزها بران میتوان نخت چه خانم احتمال دارد که فرصت
رفتن مطبخ گاهی داشته نباشد و میخواهد که بنگران خود
چیزها ببرد.

ستودیک نوع دیگر است که در آن تیل خاک میشود
و بقرار خواهمش تیز می آتش نگاه میشود و مطلقاً اندیش نمیمانند
که چون خانم در دیگر کار گرفتار شود آتش کم یا کل شود از محض
نشاندن گوگرد آتش روشن میشود و حاجت در دادن مثل
پزیم نیست. در شب گاه بیگانه براس کرم کردن شیر یا طعام

یا تیار کردن پاسب خیلی سهولت میدهد - و دوازده نعل نمک
 پیدا نمیشود و بوسه آن هم در طعام هیچ اثر نمیکند
 براسه ساینیدن مصالح اطعمه تخمه سنگی بهتر است که خود
 ساینده نشود سنگ سرخ عموماً نرم میباشد و براسه این
 کار موزون نیست - اگر نکه سنگ آسیا دست یاب شود
 مناسب است - باید دو تخمه سنگ باشد یک براسه
 نمک و مرچ دیگر براسه کدام دوا و غیره که بوقت ضرورت
 حاجت آن میافتد.

براسه ساینیدن زعفران و سرمه و غیره کرل هم باید در خانه باشد
 براسه لت کردن تخم مرغ ماشین از چهرت مفید است
 که کاملاً سفیدی حل میشود و مثل قاشق تاخیر واقع نمیشود - با سوا
 آن براسه دوغ ساختن یا کشیدن مسکه کم کار آمد است
 علاوه بر آنها دیگر استیاماند کد و تراش ترازو و تلک موش
 و غیره باید در هر خانه موجود باشند و در مطبخ بمواضع مناسب
 نهاده شوند زیرا که اندکی شان بد نما و تکلیف ده است -

تراز و بیک میخ آویخته باشد - علی بن القیاس آتشگیر و تابه
 پذیرند یک حلقه نزدیک آتشدان آویخته شود تا هنگام
 حاجت فوراً بدون برخاستن گرفته شوند - صافی ها دیگرهای
 بر میخ آویزان باشند تا زود خشک شوند و از گستره زمین
 چو کین نگردند - بر کس گوگرد در طاق یا الماری یک جابج
 خشک مطلوبست تا فوراً گرفته شود - از نم و رطوبت دور بایند
 ورنه کدام وقت بسیار صحت در روشن کردن آن بدش میشود
 ظرف چای همیشه باید علحده گذاشت تا آلاش روغن
 یا سالن آنها را از کار چای نکشد.

سرپوش ها که یک یا اگر مسی باشند اینقدر رواغ
 میشوند که بدون صافی برداشتن آنها محال میگردد - اگر گلی باشند
 بسیار گرم نمیشوند - اگر دیک اسی استعمال کنید
 باید بسیار احتیاط کرد زیرا اشیا که ناپاک در آنهاند
 سرایت میکنند و ناپاکی زایل نمیشود - اگر لگن مسی نباشد تنگاره
 بر آس خیمه کردن آرد استعمال میشود اما آرد باقی مانده را بکار

نباید تراشید و رنه خاکش جدا شده با آرد می آمیزد آب
انداخته کمی بگذارد تا آرد تر شده خود جدا شود - چون تغا
نوباشد بمالیدن روغن باتیل یا یکدور روز گذاشتن و مرغ پس
شستن با آب گرم خمیر نمی چسبد.

قلیچ نظروف

اگر مس نمودار شود نه صرف سالن بیزه میگردد بلکه احتمال ضرر
سخت هم است چه مس یک سم دارد با خاصه در موسم گرم
سالن و غیره تا دیر در ظروف مسی نباید گذاشت بلکه بعد از آن
ظروف چینی یا گلی باید استعمال کرد و ظروف مسی باید همیشه سفید
کرده شود بی قلیچ میچکاه نباید گذاشت.

ظروف باید دو قسم باشند یکی خوب و خوشما که بمواقع
ضیافت و اعیاد استعمال شوند و قسم دوم معمولی که روزمره
کار آمد باشند - فهرست هر دو رقم مرتب باشد تا اگر ظرف
بیجا شود از مقابله فهرست شماره صحیح ظرف معلوم شود و خصوصاً
چون ملازمی برخصت یا استعفا از مطبخ عمل کرده گردد.

فهرست اعیان و اموال

۲۴ صَفَائِي ظُرُوف

لطافت هر جا مطلوب است با خاصه در اشیا سے خوردنی
 سحاط آن ضرورت است زیرا از اشیا سے کثیف دل
 انسان مستریخ نیشود و بحجم هم ضرر میرساند ظروف
 طبخ باید نیک مالیده و صاف کرده شوند - بجا کستر تا امیدن آنها
 بهتر است - و در سر آب گرم چربی و روغن سوا میتوان شد
 دیگر صاف کرده اگر تا لب آغشته زیر آنها با لظ و رنگ زده شود
 تازه و نوزند و نیز سیاهی کناره های آن زود بر آورد
 شود.

بشقاب با و جامها و غیره منقش از شستن بجا کستر اگر چنانچه
 میگردند اما در نقش های شان چرک چسبیده میماند و چون
 چیزهای گرم در آنها انداخته می شود آن چرک کم و بیش سوا شده
 در طعام می آمیزد لهذا باید ظروف ساده استعمال شود
 احتمال خوردن چرک است - اگر ظروف منقش استعمال شوند
 بر آسایش شستن آنها برش با چیزهای مشابه این مطلوب است

صبا بون زده برش بزور مالیده شود. بشقاها و دیگر ظروف را
 شسته در توگری یا خواجه چوبی بگذارید و کالای بر سر آنها
 تا گرد افتاده باز چرکین نگردند ظروف چینی بصافی گریاسی مالیده
 شسته شوند و بعد بکالا خشک کرده مانده شوند اما ظروف
 مسی با آنها نزدیک باشند چه خطره تصادم و شکستن است
 اگر چه در ظروف آهن جلی اندیشه شکستن نیست اما از احتیاط
 دیگر ظروف چینی آنها جدا میشود و از پاییان جلی سیاه برآمده
 زشتت مینماید.

ظروف جلی خالص را شسته بکالا خوب خشک کنید
 ورنه زنگ زده میشوند.

افتابها و کوزه های آب عموماً روزمره شسته نمیشوند اما
 در بعضی نیت که با دیگر ظروف همیشه دو وقت شسته نشوند
 بشستن تا به کسی توجه نمیکند محض پاک کردن آن
 کافی شمرده میشود. بعد از ماه دو ماه باید خوب صاف
 کرده شود خصوصاً چون براته یا دیگر طعام روغنی بر آن چخته
 شود

صاف کردن آن ضرورست.

در صفائی ظروف از چینی باشند یا از شیشه براسه دو
کردن چربی استعمال آب گرم خصوصاً در سردی لازمه است ^{لیکن}
در بعضی ظروف شیشه اگر آب جوش انداخته شود احتمال شکستن
آنهاست - اینها از برف نیز شکند لهذا باید اول
آب انداخته سپس برف انداخته شود - ظروف چینی و
شیشه را شسته بکالا پوست نینده باید با احتیاط و حفاظت
گذاشت.

ظروف کالی اجناس را که در سالها نمی شویند عملاً
بر آنها که واقعه از رنگ خاک تر میشود و در که گاهی
آنها هم خوب شسته شوند.

چون ظروف روغن چرکین میشود آنرا بر آتش گذشته صاف
میکنند اما ازین در روغن بوی بد پیدا میشود - و قفاً
ظرف روغن را بیکه باید پاک کرد و اگر روغن کم یماند اندک
آتش نشان داده روغن گرم کرده شود سپس آراکیده

و طرف را مالیده آب گرم باید شست.

بعد از تناول طعام همان وقت همه طرفها را شسته بقرینه
باید گذاشت طعام پس مانده طرف براس دیگر وقت
گذاشتن به تمیزی است و نیز اگر ضرورت طرف شسته
افند همان وقت شستن آن در کار هیچ حرج اندازد.
آفتاب به نیز چه در شب چه در روز بجای مقرر نهاده شود
تا عند الضرورت فوراً یافته شوند.

کالا نیک در آن ناهنا چید میشود و نیز باید شسته و در آفتاب
نهاده شود تا چرک و بویش کاملاً بعد از یک هفته دفع گردد.
چراغهاست خانه نیز علی الصبح صاف و پاک کرده
تیل در آنها انداخته نهاده شوند - علاوه بر این صفائی هر روزه
شمعدان با چراغها آنها را باید هفته وار کملاً صاف کرد.
برای صفائی شیشه های چراغ اگر چه آب گرم
یا سرد کفایت میکند که بعد از آن از بیرون و درون بلنه
پاک کرده شوند اما اگر گل سفید را در آب تر کرده بر شیشه بمانند

کمالاً پاک شود

تا خشک شود پس بلبه صاف کرده شود و شیشه شفاف
 مے براید - بر شهابے پاک کردن شیشه مانده باز
 بسیار است، باز هم اگر بر خوب لته چنانچه با احتیاط
 پاک کند مطلب برابر می شود.

برای پاک کردن بوتلها مے چرکین و چربی دار تیز
 بهتر است اما در صورتیکه آن نباشد جلد در بوتل انداخته خوب
 جنبانیده شود اگر یک کرت پاک نشود بدیگر کرت میشود.
 اگر در بوتل سرپوش یا کارک آن بند بماند و دستار را
 بدست گرفته باقی را در میان بوتل بیندازید و آنرا نجس یا چوب
 کشاده سرپوش را در بین تار گرفته بکشید یا تار را گره داده
 بیندازید تا آن گره در عقب سرپوش مانده بکش کردن آن
 سرپوش براید.

هیند

برای هیند یک خانه و در مطبخ کدام کنج بکار است
 بهر حالیکه باشد باید بوجه حسن چیده شود که با مے هم کم

کتابخانه آستان قدس

گیرد و خوش نما باشد چرا که مسا کین با چوب تپانی هم مناسبت است
 اما هنگام پختن و یک سر آن پوشیده باشد ورنه بوف
 تپانی سلامت میکند - بر لای پختن نان چوب بهتر است
 تا بر قوغها سے آن خوب پخته شود.

در بار آنها باید میزیم بحفاظت گذاشته شود و زیر آ
 تر آتش کردن بسیار مشکل است - هنگام آتش کردن چیز
 خاکستر و دیگران لازم است ورنه در چوبها آتش زود درخسید
 چوبها سے در گران یا دیگر چوبها سے نازک اول بترتیب
 چیده شود و بجا خذ یا لته که بهتر است در داده بعد چوبها سے
 لک تر گذاشته شود - از یکه پفک بهتر است .

نان پختن

نان باید خوشترنگ و قشنگ باشد - لهما سے آن لک
 و در بین نیز بعضی جا سے لک نباشد - آرد خشک بسیار
 زود نشود - خوب بر آتش نهاده شود تا خام مانده مولد کم
 در می نشود - بر تابه باید بتکرار کرد و انیده نشود ورنه قاق میگردد

کتاب طب و طباطبائی در طب

اگر خمیه سخت باشد نان نمے آما سد و نه نرم میشود- اگر آنها
تازه را در دسترخوان بچاییده زیر تغاره پوشانیده شود گرم
و نرم میماند.

در پختن پراته تا به باید حقیق باشد تا روغن از لب نه یزد-
اگر در زغال روغن آمیخته شود و نانش ساخته شود پس آنرا
فتیل وار بچاییده از بالا بپایان سخی کرده شود تا باز قرص گردد
بعد آنرا حسب معمول نان میسازند- از چینی و دوباره با بدن قاترها
متعدد پیدا میشود همین پختن پراته احتیاط لازم است که قبل از
انداختن آن بر تابه روغن پاشیده نشود ورنه چنگه آن برید
موجب سوزش نان نمیکردند- باید بعد از انداختن پراته بر تابه
روغن انداخته شود.

باید اندازه مناسب خمیه کرده شود تا نان زائد نماند- اگر احتیاطاً
فاضل شود بر آس کاؤم غما و غیره بکار میرود بعضی آنرا
کوفته خشک کرده نگاه میکنند تا قند انداخته مثل حلوا نیز ندانند
بهتر همین است که قبلاً با اندازه نان نخیده شود و اگر زائد را خیر است

کتاب طب و طباطبائی

بدینند آن هم باید پیشتر سنجید تا بے ضرورت خرج نشود
 اگر خشک کردن لازم آید باید تر و آلوده سالن بمصرف رسانیده
 شود و باقی بجاظت نگاه کرده شود تا اگر درین زمینند و موش
 و غیره ندراید در موسم باران اگر نان ترمانده شود پوپنک میگیرد
 و بوسه پیدا میشود اول خشک باید کرد.

دیگ پختن

قبل از بار کردن دیگ همه لوازمات آن باید تیار داشت
 مثلاً مصالح سائیده، ظروف شسته و صاف، صافی
 درست پناه، دمک این کل اشیا ضرورت است که نزد دیگ
 ریگدان باشند و در اثنا پختن دیگ کاسه میسوزد
 تا در کدام چیز جوش خوردنی مثل شیر یک تخت جوش میخورد
 و دیگ فوراً فرو آورده میشود، و صافی اگر نزد دیگ نباشد
 بسیار زحمت میشود و نقص آن چیز هم واقع میآید لهذا بود
 صافی نزد دیگ لازم است.

کفگیر هم بوسه سالن و شیر برنج و غیره چنان باید که

داده بتواند و بر آن پلو چلو و غیره باید برعکس باشد .
 دیگر باید بدیدگان خوب قائم باشد و اگر یکدم تکه سنگ
 و غیره محکم کرده شود احتمال دارد که از بر آمدن آن میفتد چون کلام
 چیز در دیگر انداخته شود احتیاط لازم است که بر لب های
 دیگر یا دیگران نیفتد - سرپوشنها و آتش نرم باید
 کرد که بآن طعام خوب پخته میشود و همین سخن اگر سرپوش را بردارند
 با احتیاط برداشته شود تا از بخار آن دست نسوزد و اینطور
 که سرپوش را بصافی گرفته جانب خود چنان کش کنید
 که سرپوش از دمان دیگر بالا نگیرد - اگر سرپوش از پای دیگر
 کلانتر باشد هنگام فرود آوردن آن محافظت با کرد که صافی از
 سرپوش گذشته دیگر را بگیرد .
 اگر در تناول طعام دیر باشد باید دیگر بر خیمچ گذاشت و رنه
 بردیدگان خواهد سوخت و پایان سخ خواهد گشت - اگر در خوردن
 آن بسیار دیر باشد از سر نو گرم باید کرد اما آتش دود داشته
 نباشد و رنه بوس آن با وجود احتیاط سرایت خواهد نمود

برزغال گرم که چون بهتر است پابر آتشیکه از چوبهاست تر نباشد
 قبل از کشیدن طعام ملاحظه باید کرد اگر شور یا خشک شده
 باشد حسب ضرورت اندازه کمیکد و جوشی دیگر باید داد اگر نمک
 کم باشد اندک شش اندازه شود، لهذا مصالح و نمک هر وقت
 که سائیده موجود باشد تا عند اللزوم فوراً استعمال کرده
 شود، نمک باید آرایش مصالح یا دیگر خیره داشته باشد
 سفید کامل باشد، نمک و مصالح باید در شیشه یا قتی نهان
 شوند و باز مانند دنان آن مضر است.

بوقت کشیدن طعام اندازه باید داشت که روغن
 و گوشت در همه بشقاب مساوی برود اگر در یک کاسه سائید
 اندازه شود اولاً دیگر را کج کرده روغن باید کشید سپس
 تکه های گوشت اگر در یک روغن از حد زیاد باشد آنها
 در ظرف علیحده کشیده براس دیگر آوان نگاه باید داشت
 اگر در دیگر کدویا همچو ترکیبی باشد که از فشرودن خراب میگردد
 بهتر است که یک طرف نموده با هم سنگی کشیده شود و بهتر است

که سالن در بشقاب با انداخته شود و از رنگ در کاسه ماهیچه در تنال
 تکلیف رو میدهد - بهر حال آنرا کشیده در پتوس باید نهاد
 و نانها در دسترخوان باید چید تا بخ نگرند .
 اطعمه باید ساده و بیط باشد - حسب معمول اطعمه
 زیاد و گوناگون مناسب نیست - اگر روغن زیاد استعمال
 شود کشته اشتهاست سبزها و قبول بیشتر سختن
 مفید اند - در موسم گرما استعمال باست و روغ خوبست
 در ایام هیضه سرکه و پیاز و پودینه که اهل دلی آنرا احتیاج
 میخوانند) نهایت مفیدست .

آب صاف

مثل هوا صاف آب صاف هم برای انسان
 ضرورست - در چیزیکه خورده میشود حصه آب زیادترین
 میباشد لهذا اگر صفائی آن ملحوظ شود، از بس ادویه خلد می
 رو میدهد از هیچ بد پر هیزی اینقدر امراض تولید نمیشود که از آب
 خراب . آمیزش غیر در آب از رنگ و ذائقه آن معلوم میشود

اما اگر چونا در آن بسیار باشد ازین معلوم میگردد که بعد از
 جوش دادن آن در سه طرف آن باقی میماند - اکثر البعض طرفین
 در نوله بعد از چند سی بند میشود و سبب آن ته نشینی چونا میباشد
 آب خوب آنست که بعد از جوش دادن آن همه بخار گردد و
 چیزی باقی نماند و صاف و شفاف و خوش مزه باشد
 عموماً از سه سبب در آب خرابی پیدا میشود یکی از اینکه بالا
 چاه درخت باشد که برگ های آن در میان ریخته بوسید
 میشوند دوم نزدیک چاه کالاها و غیره شسته میشود و آب گند
 جمع شده پس در زمین جذب میشود و زهر آن غلظت در آب
 اثر میکند - چون سقا آب بیار و احتیاط باید کرد که از مواضع
 صاف بیار و سوم بعضی چاه ها مسقف و تاریک میشوند
 که روشنی و هوای در آنها داخل نداشته مضر صحت میباشد
 همین اسباب بصورت مختلف در آب دریا و چاه
 نتیجه بد میدهند - باید دید که غلظت و کثافت در آن آمیخته
 نباشد .

بعض خرابی های آب از طریق نغمه اشنیت آن پیدا میشود
 کوزه های پاک و صاف باشند و از درون و بیرون آن
 پاک کرده شوند و بر گریه های بلند نهاده شوند تا لای
 زمین اثر نکند آب با نازه آمیخته نشود کوزه ها منقش
 نباشد که چرک در آنها فراهم می آید کوزه ها هیچگاه بے
 سرپوشن نباشد و رن گرو و غبار، مگس و پشه و چنگ از
 زمین مے افتد و مرغک ها نول می اندازند بر آه آنها
 بر کدام جاے بلند نظری باید نهاد و آنرا هم بعد از چند
 روز بایست.

علاوه بر ظروف آبخوری، دیگر ظرفهای آب نیز هر هفته
 باید پاک کرد. ظروف کلی بر آه آب بهتر است. در ظرف
 مسی آب گرم میگردد. اگر بر کوزه لته تر نهاده شود آب بیخ
 میشود و بر دمان کوزه ها لته های صاف بسته شود تا آب
 از آن صافی شده بیفتد و آن لته ها باید یکروز بعد شسته شود
 در کوزه های نوبهتر است چه در آنها آب بیخ میانند

نکته: در کوزه های مسی آب گرم میگردد و اگر بر کوزه لته تر نهاده شود آب بیخ میشود و بر دمان کوزه ها لته های صاف بسته شود تا آب از آن صافی شده بیفتد و آن لته ها باید یکروز بعد شسته شود در کوزه های نوبهتر است چه در آنها آب بیخ میانند

بعض اشخاص تکلف پسند چند قطره گلاب یا کیوزه جهت
خوشبودر کوزه می اندازند در ایام همیضه تب موسمی و غیره
توجه زیاد بآب صاف باید کرد. اول استعمال فله بهتر است
که از بازار میتوان خرید یک طریق اسان اینست که سه کوزه را
بالس یکدیگر بنهید. در کوزه بالا زغالها پر کنید، در میان یک
و پایان خالی. زیر آن کوزه را سوراخ کرده یک فتیله لته باید داد
که آب ازان ترشده بریزد هر هفته زغال در یک تبدیل کنید
اگر قبل ازان آب جوش داده شود بسیار بهتر است باغاصه
در وقت بالابد است. در ان حالت، لازم است که پوتاجیم
پر منگناس در چاه انداخته دو روز آبش آشامیده نشود
که کشنده گریه است براس صفائی معمولی آب زنج
بیم مفید است. اگر در آب که ورت باشد یکدو نخود زنج انداخته
بگذارد چو که نشین خواهد گشت آب سرد در گرما چون
برف و یخ میسر نشود شب در کوزه های تازه بر بام باید
گذشت و روز در جای خنک نهاده در استعمال آورد

توجه به آب صاف در ایام تب موسمی و غیره

اگر یک تنگاره پر آب آویخته شود و در میان آن صراحی که
 با لته دو لابه چیده باشد گذاشته شود و آن تنگاره را بعد از
 چند ساعت بجنبانند آب سرد میگردد - اگر آنجوره ناله کلی را
 در یک چوکا تیکه خانه ماداشته باشد بیا ویزید و اندک
 وقت آب سرد میگردد - اگر شوره و نمک را در ظرف انداخته
 در میان آن صراحی جستی را بگذارید که فقط گوشتش بیرون بماند
 سپس آنرا شور بدید در کم وقت آب نهایت نج میشود
 ماشین ها - شیخ و شیرخ در بازار پدید میشود
 شیخ باید در نمک یا کمبل نهاد اما لازم است که اول در تکه نجی چیده
 تا مویها نمد و غیره بآن نجش بندد و تکه نمد بگیرد تا یک
 خشک کرده شود و دیگر چیده شود - لته نجی نیز شسته و شسته
 شود و چون چرکین گردد - آتش کرده شود - تو کرسی ها
 شیخ در بازار یافت میشود آنرا نیز بعضی اوقات در آفتاب
 بگذارید تا نمد آنرا زود بوسیده نسازد - برای شکست
 اوزار معین میباشد اگر آن نباشد یک میخ آهنی را بر تکه

کتاب طبقات علماء الهند

کذاشته بدیگر آهن مثلاً تپک بزیند این چیزها را نزدیک
سج بگذارید تا حدین ضرورت حاجت جستجو نیفتد - سج را ولت
پچانیده شکستاندن لته راز و دزد و پاره کردن سبت که

اسراف میتوان گفت

دستبرخوردن

ما همه کالا را چون چرکین شوند آتش میکنیم چادر، بستر، غلافها
تکیه، چاندنی، فرشها، دستمالها، رومالها همه را پاک و
صاف نگاه میکنیم اما دستخوانها، صافی، و پاکی با
مطبخ که در معرض توجه میآیند باید آنرا با احتیاط و تاکید بیشتر
شست زیرا اینها براسه پاک کردن دیگر چیزها استعلا
میشوند چو آن صافی خودنا پاک باشد دیگر چیز را چگونه پاک
خواهد کرد - باید صافی با تعداد زیاد باشند، و بعد از چند
روز بصابون شسته شوند، اگر در دستمال گوشت
خوخته شود باید گوشت را اول در برگ یا کاغذ نهاد پس
در دستمال باید چید و در داغ خون گرم نخواهد شد.

دسترخوان ناهنا جدا و براسه چیدن طعام جدا بکار است
 آخر الذکر باید صاف و سفید باشد و هنگام تناول آن
 طعام بران نیفتد - بعد از خوردن باید آویخته شود - براسه
 ساختن صافی ها و دسترخوان ساکین باید با کلاه کهنه
 استعمال میتوانند کرد که نزدیک پارو شدن باشند -
 دسترخوانها باید همیشه سفید باشند - دیگر رنگسالبه
 چرک پوش میباشند اما این عیبش است - بعد از تناول طعام
 دستها باید بدسترخوان پاک کرده نشود - دستمال رومال
 و دیگر تکه ها براسه استعمال و ماغ و غیره علل حده مطلوب است
 نامهاست دستمال ، و رومال باید اسم با مسملی باشد .
 در باب ظروف آشخوری احتیاط لازم است که حتی الوسع
 براسه هر کس جدا باشند اقلأ براسه خدام علل حده
 ضرور است - اگر چای آبی باشد بگویند آن آب خورده نشود - بعضی
 می پندارند که آب پس نخورده آشنا میدان ثواب است چه
 عمل حضرت رسول الله بود - مراد اینست که آب جبهه یا نان
 پیخورده

بناظر است یعنی استعمال آن گناه نیست، لیکن مضرت دارد
 میوه را باید بعد طعام خورد. پوست کرمه تراشیده آورده
 شوند الغرض تیار باشد که بصفا فی و آسانی خورده
 شوند. تفاله پوست یاخته را یکجای در بشقاب لی
 باید نهاد. شیرینی را بعد از طعام باید خورد اما کمره و رنده آنها
 فرو میکند و مضر بکس است.

بعد از طعام دست را باید بجا بون شسته شوند تا از بیخ شستن
 چرک بدر آید پس بدستمال باید مالید. محض شستن آب
 پس دست را با بهم مالیدن کتابها و کاغذ را چون بدست
 بگیرد خراب میسازد.

بعد از طعام کلی ضروری است تا فراتر نماند و غیره بجز
 آب هدا شده بر ایند و دندانها و بیره ها شسته شوند
 پاک کردن دندانها از مسواک هم میشود اما استعمال زغال
 ازین جهت مفید است که مانع تعفن ریزه های طعام است
 و دندانها را معالجا پاک میکند. چرک زبان نیز بوسیله

از زغال دفع میشود اما چون باعث آبخراپی معده است لهذا
بصحت آن پرداخته شود (مثلیکه از سو بهضم دکان بوسه
پیدا میکند از پاک نکردن دکان نیز معده خراب میشود
چه میگوید و بها بغذا آمیخته در معده میرود و آنرا علت میدهد
چای از پیاله خورده شود نه بقاشق بسیار گرم هم باید
نخورد و هنگام آشتا میدنش صدای نبراید که مکرده
گوش بخورد اگر همراه چای نان کبلی کلچ خطانی و غیره بخورد
در چای تر کرده مخورد بلکه یک لقمه آن در دکان انداخته پس
یک قرت چای بنوشید در باب شیر و شیرین
از جوان باید پرسید که کم مخورد یا زیاد زیرا استعمال آنها
با چای بهر کس مختلف العادات میباشد
برای خانمها لازم است که چون بخانند کسی همان برو
اطلاع داده بروند که اینقدر نمی همراه شان میرود و نیز میزبان
آگاه سازند که طعام در آنجا خواهند خورد یا در خانه خود خورده
خواهند رفت برای میزبان نیز ضرورت است که چون کسی

بخانه خود بطلبید و ذکر دعوت طعام در میان آرد و درین معامله
 حیار اراده نهند- چون خانه بخانه دیگره همان باشد
 برائے خود یا اطفال خود از بازار چیرے طلبیدن نازیباست
 البته میزبان چون کسے را دعوت داده است خود اهتمام ضیافت
 خاطر خواه اطفال را خواهد کرد- در باره دعوت احتیاط باید کرد که
 پابندی وقت نموده شود و بوقت معین حاضر باید شد و سیرشته
 طعام نیز با بوقت مقرر شود .

غذا

تا اشتها صاوق نباشد طعام نباید خورد- اطفال
 را منع باید کرد که تا غذاے اول هضم نشود دو باره مخورند-
 اکثر امراض ازین عادت تولید میشوند مثلاً شش خنک و یک
 است که چون یک چیز در آن انداخته شود و بعد از چندے
 که هم نخفته شده باشد دیگر چیز انداخته شود هر دو بهم آمیخته
 نه یکے نخفته میشود و دیگر را گفته میتو اینم که نخفته و قابل خوراک

کتاب طب ابن سینا ج ۱ ص ۱۱۱

شده است - اگر دیک را از کدام چیز تالاب پر کنیم آنهم درختن
 آن مانع میاید چه جوش نه و بالا خورده نمیشود اند معده نیز همگیت
 وارد لهدا باید که از استها چند لقمه کتر خورده شود - بر ا
 این اهتمام اوقات طعام بعض دو باید چهار باشد یعنی همان
 طعامیکه پاشت و شب زیاده خورده میشود ازین هر دو گاسته
 بدوناشته صبح و دیگر انداخته شود - بدین طریق در هضم هم سهولت
 پدید میاید و بدن انسان هم سبک و تیار میماند و گرانی
 و ثقلت رخ نمیدهد .

چون هضم اول در دهان شروع میشود باید غذا خوب
 زیر دندانها جویده شود تا لعاب بان آمیخته در معده برود که مد
 هضم است - بسا امراض ازین بے اعتنائی پیدا میشود
 لهذا در جویدن غذا اهتمام تمام مرعی باید داشت .
 بقرار تقسیم اطباء از بعض اغذیه مثل غله و گوشت جسم انسان
 تشکیل و تربیه می یابد از دیگر مانند روغن و شیرینی اعضا
 قوت کسب میکنند مشکیکه از هضم پرزده های ماشین

کتاب در احوال و اسباب

بجز کت میآیند لهذا باید از قسم اول زیاد خورده شود و از
 ثانی کمتر - از تجربه دیگران تحقیق شده است که بعضی اعضا تحلیل
 شده از فضل خارج میشوند بدل یا تحلیل آنها واجب است
 چنانچه کسانی که محنت و مانع بیشتر میکنند برای
 شان استعمال شیر بیضه مسکه و یخنخنی و همچو اغذیه مناسب است
 که از آن تر میم اجزای ضایع شده دماغ میشود.
 از غذای ثقیل پرمیز باید که مثلاً اشیا کسبیه
 و بسیار سائیده چون باروغن و شیرینی تناول شود
 هر ضم آنها دشوار میگردد و اگر غذای لطیف خوب جوید
 نشود آن هم ثقلت پیدا میکند - شیرینی ها و غیره باید
 فقط بعد طعام در مقدار کم خورده شود برای اطفال خصوصاً
 چون اصرار کنند چه هم شیرینی ها نباید داد بلکه میوه ها
 تازه مضایقه ندارد اما محاط باید کرد که خام نباشد و نه سخت
 بدرجه پوسیده باشد - بعد میوه ها تر و تازه اشیا
 آب بسیار مضر است - چون اطفال شیر نخورند در ایض

گردند همان پیرهنی که براسه شان لازم است جهت ^{بیشتر} دریا
هم لزوم دارد.

اگر استعمال یک غذا که متواتر خورده شود علتی رو شود
تبدیل آن ضرور است مثلاً اگر زخمیان در وقت تولد شود غذا
باید خورد که میوه نباشد اگر از خوض هم آروغ بدخزه گردد و علا
بهتر اینست که دیگر وقت فاقه کرده شود بدین صورت خود
افاقه حاصل میشود حاجت طبیب نمی افتد. اینگونه
تدابیر براسه صحت مناسب است و باندک علا
استعمال نسخه در دست نیست.

* * * * *

*

کتاب آرایه الای
مکتوب

خرید اجناس

وقت اهزانی چه بس است که در آن زمان فصل آن
 رسیده فراوان باشد مثلاً گندم آنوقت که درو شده
 از خرمن برآمده بفروش افتاده باشد و غوره یا آنگاه که
 از بادها که تند تکیده باشند لهذا باید هر چیز در وقت اهزانی
 و فراوانی براس تمام موسم خرید شود که جنس خوب باس
 دستیاب میشود و بعد از آن چیزی عمده اگر پیدا شود البته
 قیمت زیاد خواهد بود. معلومات مختصر در باره بعضی اجناس
 داده میشود که براس هر خانه دار مفید خواهد بود.
 گندم خوب آنست که دانه مالیش لک باشد و از واغ
 و لکه پاک چون هنگام فصل با بان شود گندم خمیاب میگردد
 و سیاه که از آن باید بکنید. در گندم

خانه ما چون گندم زیاد پر شود آن هم بوسه بپسیدد امیکند
 و از نم زمین نیز متاثر شده مضر صحت میگردد - بعضی اشخاص
 بسبب خوبی رنگ گندم سفید را می پسندند لیکن در اکثر اوقات
 عموماً گندم سرخ را ترجیح میدهند چه ماده سرخی برای تقویت
 دماغ بسیار موزون است

نخود نیز کته دانه و صاف باید خرید - اگر از فصل خطا شود
 بعد از آن باید احتیاط کرد که گرمی نشده باشد چه گرم بزودگی
 این غله را میخورند .

سرکه باید سخاوت خود تیار کرد و چون کهنه آن خوبتر میباشد
 و هنگام فصل زیاد تیار کرده شود .

گروه شکر سرخ و سیاه نباشد و سفید هم خوب نیست
 چه در آن آمیزش مصالیح باعث سفیدی میگردد و اما خوب
 خوبی آن نمیباشد - باید گروه شکر رنگ طلایی در روشن خرید
 استعمال این برای ضروریات روزمره مناسب است
 اما کیفیت خاص و چای قند موزون است اگر چه در آن

اشیاے غیر مخلوط میباشدند .
 آن
 برنج اگر چه کهنه خوبتر میباشد اما چون نگاه داشتیت
 مشکل است لهذا عموماً در وقت فصل دوسه قسم آن برآ
 یکسال باید خرید که علی جهت مهمانی و تقاریب
 اوسط برآست استعمال خود دو لک برآست
 خدام و غیره معیار خوبی و خرابی برنج از محض ملاحظه نمیشود
 بلکه باید اولاً سخت چون علاوه بر بار یکی در از می اختیار
 کردند خوب گفته میشوند و آنگاه یک بوے خوش بهم
 پیدا میشود که آنرا نیز ملحوظ باید داشت .

ماش هم کته دانه بهتر است اما از اندازه خرج یکسال بیشتر
 خریدنشود چه بعد از آن سخت میگردد و گداختن آن دشوار

میشود .
 مرغ خور و تیز میباشد و کلان فقط رنگ سرخ دارد و تیز
 کمتر که سالن را خوشنما می بخشد لهذا برآست تندی
 مرغ خور و باید خرید .

دیگر اجناس مثل نمک نیل مصباح و غیره شش ماه
یا ماهانه خرید شود و روغن زرد ماهانه بهتر است پختن
یکجا احتمال خرابی آنرا دارد.

حفاظت جنس زیاد البته مشکل است لهذا پیشتر باید
نخید که اگر نگهداشت و صفائی آن از دست نماند
بسیار باید خرید و رزق اگر خانم آرام طلب نباشد
و میخواهد که کمائی شوهر را بر باد ندهد باید بهمت و سلیقه همیشه
اجناس را در ریجا ملاحظه کرده در پاکی و صفائی آن کوشش
نماید تا یک بارگی کار زیاد و بسرش افتاده مورد رحمت
زیاد نگردد.

برای گندم و دیگر غله ماثم و موش دشمن هایند
که از آنها حفاظت لازم است در موسمی که نم بسیار
باشد همه غله را بیرون کشیده آفتاب باید داد و گندم
کلی یا چونی برای نگهداشت تیار باید کرد که موش
در آن ندراید.

بعد از آنها و در آن خروج مالا نه صندوق گندم بند کرده
 شود، حساب یکماهه کشیدگی گندم باید نوشتند بعد
 از خشک کردن آن در آفتاب خوب پاک و صاف باید کرد
 تا سنگریزه یا گرد باقی نماند - احتیاط فرید درین واجب است
 تا در نان کرک نباشد.

آرد را قوی کرده پس در صندوق بیندازید و هر روز قوی
 کرده براس خمیر کردن بدیدید
 ماش ثامت چون نسبت بدال ارزان بدست می آید
 از بازار باید خرید و چون بکار باشد دال آن ساخته پاک
 کرده شود.

براس نهد اشت گریاشکر کوزه های نو بهتر است
 که در آن آب که گل شود در ایام باران آب خواهد گشت
 پیاز و سیر نیز در موسم آن خرید شود - نگهداشت آن
 در هوا لازم است تا بوسیده نشود بار هم بعد از چند روز
 اشیا بوسیده کشیده شود تا دیگر کار نخواهد

ن سازد.

روغن را گرم و صافی کرده نگاه کنید. در ظرف مسی یا حلبی
گاهی میندازید که زنگ آلود میگردد. اگر در روید با سبزه
پیدا میشود. بهترین ظرف گلی است که نونا باشد بلکه روغن خورده
یا روغ زده باشد چه ظرف نور و روغن را احش میکند.

فوشیایک

الناس باللباس تنها این معنا ندارد که غث انسان
لباس وابسته است بلکه انباشتن بر لباس منحصر است زیرا
در جمله مخلوقات فقط انسان لباس دارد و دیگر حیوانات
ندارند. از لباس دو مقصد بزرگ حاصل میشود اول در موسم
مختلف حفاظت از سردی و گرمی، دوم ستر بقبر احیاء می
پنکام تکبیل این دو مقصد یک امر ثالث نیز بطور ضمیمه ملحوظ
باید داشت. اینکه تا حدی خوبی و خوشنمایی هم مد
باشد.

از رو حکمت ثابت شده است که برنگه سیاه اشعه آفتاب

بشدت زیاد سی افند، لهذا اگر چه چرک بردار است، در
 گرم استعماش خلاف حکمت است و از تکه سفید
 بهتر بر اے تابستان لباس سے نیست و لباس سیا
 بر اے زمستان موزون است.

بلحاظ نوع بر اے سرما از فلانین بهتر و کار آمد تر چیز
 نیست بلکه ذاکتر با بر اے تابستان نیز همین را مفید میگویند
 چه علاوه بر نرمی، و گرمی، عرق را جذب کرده میتواند وقایع
 شستن را دارد، این قسم حسب مقدار و بهر قیمت دستیا
 میشود، در گرما فلانین با یک میتوان پوشید، خصوصاً در
 اجتماع فصلین که سردی یا گرمی شروع میشود و احتمال نزل و کما
 میباشد استعمال فلانین بسیار لازم است. با نخاصه
 بر اے اطفال خود رسال نهایت ضرور است.

در تیار می لباس این امر مهم باعث غور است که بر اے
 استعمال دائمی باشد مثلاً بر اے عروسی و دیگر تقریبات
 شادمانی چنان السب ساخته نشود که فقط بر اے همان

آن استعمال شود و پس سبب البسه پیش قیمت چنان
 صوفیانه دارند که باور اسکی و غیره بدیگر مواقع هم
 میتوان استعمال کرد و این رنگ علاوه عزت و شرافت است
 در ساخت لباس نیت حصول عزت کاذب نباشد زیرا
 اگر از رتبه خود فوخر ساخته شود مردم البته ریشخند خواهند

خریدن از بازار

بوقت خرید این تاکید است که نزدیک از آنکه با کسی نرسید
 باشد تا باقیمانده بوسید و خرید نشود چون شناخت
 نکه بسیار مشکل است لهذا از دوکانهاست معتبر حسب
 ضروریات خود باید خرید باز هم احتیاطاً از دو سه دکان دیگر در یافتن
 نرخ و مقایسه آن سخن بهوشمند است قبل از خریدن
 کالا براس خود و اولاد خود لازم است که مقدار آن عرض
 نکه را ملحوظ داشته اندازه کرده شود تا بعد از خریداری
 کمی و بیشی واقع نشود. حین خرید درختانی ظاهراً خوشمنامی ظاهر
 فریبتان ندید بلکه پاندرسی و پختگی رنگ مقدم باید داشت

حتی المقدور تکہ عمدہ باید خرید۔ از زمان بعد از چند سے پارہ
 و کہنے میگرد و گران و بر پا میباشد براسے استعمال
 روزمره و خصوصاً براسے اطفال تکہ چرک برود از برکت
 که در باز می و غیره بزودی چرک من سے سازند اما تا کید اینست
 که بزودی شسته شود تا چرک تتهما ابدان شانرا بلکه معطر باشد
 شانرا خراب نسازد.

در خریدیت باید باید داشت که رنگ شوخ خوشنما عموماً
 خام میباشد و سیاه و سرخ و بور پخته میباشد. سبب لاجو
 وزر و نیز خام میباشد. بر او عا سے نرا از نیاید فیت
 بلکه کسے خرید و شسته امحان باید کرد. بر چه ایشین نرا
 هم اغما و نامناسب است بلکه نگرانی اید و اشتباه
 بالاسے توپ گرد آلود و چرکین میباشد لهذا از دور و نرا
 باید گرفت.

حصول چیزے مشکل است اما حفاظت و خبر گیری نه مفید است
 اگر حفاظت لباس کرده نشود، ازین بے تمیزی و سبب

سلیقگی ضرر زیاد و متصور است - دوسه سخن براس ^{بخت} چند
 البسه لازم است لباس شیمی، ماهوت، ابریشم، فلانین
 و غیره را کوییز و میخورد با مخصوص پوشاک شیمی را اگر هر
 هفته آفتاب بدید باز هم اندیشه کرم لاحق میماند - در موسم
 باران علاوه بر آفتاب اگر اینچنین کالا را اندرون خانه اگر در
 و غبار بچاد محفوظ ساخته آویزان کنید و بعد از سه چهار روز
 بتکانید، مناسب است، برگهای تمباکو و غیره اگر
 در قات های لباس گذشته شود مانع کرم است اما
 بوی بد آن تیرت بزند اگر کافور نهاده شود بهتر است -
 از ادویه یورپائی یو کلپیان و فینائل خشک بسیار مفید است
 که بوی آن اگر ناگوار هم باشد برای صحت انسانی

موافق است.

بعد از آفتاب دادن کالا باید در سایه سرد کرده برداشته
 شود ورنه از گرمی باز نم خورد کرده کویه را جلب میکند -
 چرمه و لیس اگر چه شکار کرم نمیکرد و اگر در آفتاب گذشته

نشود رنگ آن خراب میشود. بعض اوقات، کالاس
 رنگین از آفتاب بکده و کم رنگ میگردد و یک حصه آن نیز
 دیگر تکه آمده بحال خود میماند، ازین خبر دار باید بود و بالا
 کالاس رنگین یک چادر باید گستر.

در صندوق بجم خبر باید گرفت که پوشاک های
 سبک و لطیف زیر بار البسته گران بار نیایند باید
 لباس های نازک و مصانحدار بالاس پوشاکها
 و زین گذاشت، هنگام نهادن در صندوق ملاحظه باید کرد
 که کدام میخی از صندوق برآمده باشد ورنه تکه را وقت
 کشیدن چیر خواهد کرد. وقت ته کردن نیز لازم است
 که بر جای های سابقه قات کرده شوند ورنه از چین های
 زیاد بنا خواهند گشت تکه های بسیار نازک را باید
 در دستمال جدا پیچیده در صندوق گذاشت اگر کدام یک
 چیز کلابتون دار باشد آنرا در کاغذ پیچیده علیحده باید نهاد.
 اشیا مستعمله روزمره مثل دستمال

رو مال و البسه عام نیز باید بحفاظت گذاشت. نباید
 آنها در صندوق مشکل است و کشیدن دشوار اما اگر گنند
 مانند آن ها هم نشان - بی تمیز سیریت ، براس اینها میخها
 کوکوت بند یا ضرر و رست اما اینطور نشود که انبار کالا ها بر یک
 میخ آویخته شود یا یک تکه کمک بند باشد و باقی همه تا زمین
 اویزان و چسپانده که باندک صدمه پایان آید .

بعضی خانم ها چون بملاقات یا مهمانی میروند و سپس آمده
 لباس را بر میخ می اندازند که نذر گرد و غبار میشود . باید در
 صندوقی بنهند بر میخها باید فقط آن البسه باشد که هر روز بکار
 می آید و آنکه بعد از هفته مطلوب شود در صندوق گذاشته
 شود ، بر کوکوت بند کالا چنان آویخته شود که در میان آن بان
 تا علاوه بر محکم ماندن خوشنما بنظر بیاید . اگر در اطاق فرش
 نباشد یا بوقت جاروب احتمال گرد باد باشد باید بر کوکوت
 بند یک چادر انداخت تا کالا ها میخها محفوظ بمانند
 از همین جهت اندرون الماری ها کالا آویزان

میگفتند که خانه ما داشته نباشند - بران حصه دیوار که
 لباسها او نیخته میباشد کاغذ یا تکه نصب کردن پوشاک
 را از چونه یا سفیدی دیوار نگاه میدارند - در خانه میخها هم لازم
 است و در سیمان نخعی که بدو میخ بسته باشد هم ضرورت است
 زیر بعض چیزها مثل محاف و غیره بر سیمان او نیخته میشوند
 میخها عسلی نانه دو قسم یکا است یکی برای
 لباس کهنه دیگر برای جدید که باید فرشی از آن خشک باشد
 تا اگر بپختند تر نگردند و چنگکه یا نیزه بر آنها نپزد
 بعد از آتش کردن لباس کهنه را علاوه بستن باید گذاشت
 اینطور نشود که همه پراکنده بیک گوشه افتاده باشند و قبل
 از دارن بدوبی دو چند چو کین گردند بلکه شکاروند آنها را
 موش شوند - از کالای کهنه کار صافی نباید گرفت و در
 دوبی هم از دور کردن داغها آنها عاجز می آید - لباس
 باید بر بدن بسیار چوکت نگرند و خانم ها و اطفال درین امر باید
 محتاط باشند .

قبل از دادن بدوبی همه لباسها باید دیده شود که اگر کدام پارچه
 پارچه باشد یا تکه است یا شد درست باشد درست کرده شود
 نزدوبی زیاد تر پارچه میگردد و اگر پیوند پیشتر داده شود
 با خود لباس شسته شده هم رنگ میشود ورنه جدا میماند اگر
 بعد از شسته شدن فوراً ضرورت افتاد در مرمت
 میشود در انگیزی مثل است که پینه هر وقت پینه آید
 نگاه میکند.

مرمت جراب با نهایت ضرورت است که اولاً از گرمی و
 پارچه میشوند اگر فوراً دوخته نشوند همه پارچه میگردد
 پینه آنها گره نباید ورنه در پایی موجب کلفت میگردد
 رفو کردن جرابها آرام ده و خوشنما است.
 براس دوبی همه تکه جدا گانه نشان باید داد تا گننه و پارچه
 معلوم شود همه تکه با مفصلاً باید نگاشت اینقدر کافی است
 که پیراهن با اینقدر بلکه قسم تکه اندراج کردن لازم است
 بدوبی این بدایات هم ضرورت است که فلان لباس رنگ

مرمت جرابها و کلاهها و کتلهای دیگر

خام دارد. ابریشم است بعد با بون شسته نشود بلکه برشته
شود. اگر دومی بر علیه هدایات عمل کرده مورد ضرر گردید
تاوان بر او گذاشته شود.

دومی نامعمول است کالای سفید رنگ نیل میزنند که از آن منع
شان باید کرد و اگر زیاده نیل بدینند قابل توجیح اند. دیگر این قضیه
باید کرد که کالای شما بدینکار مخلوط نشود. اگر دومی نامعمول
هم نشان میکنند آن خود نشان نیز یک علامه نمایند خواه یک حرف
یا کلمه از نخ باشد یا رنگی که از بازار دستیاب میشود.
از این بند کار از بازار کشیده بدومی بدیند تا خوب شسته
شوند و ضایع هم نگردند. همه کالای را با فخر مست مقابل بدیند
و اگر کدامین نرسیده باشد جدا بنویسید. کالای چون از دومی
بیاید همه را او نموده ملاحظه کنید که داسی نمانده باشد
یا پاره نشده باشد.

خام هموشمند این را وظیفه خود نمیدانند که تا پاره شدن
کالای آنرا با استعمال آن مختلف بیارند. اول درج

درج اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم

این استعمال ثانی اهمیت که کالا به پشمی چون هر دو طرفش
 یک رنگ باشد اندرونش بیرون آورده شود باین صورت
 چند مدت دیگر مثل نو کار میدهد - استعمال درجه دوم اینست
 که از کالای کلان خورد ساخته شود و مثلاً کالای برابر
 کلان براسے خورد یا خواهر کلان براسے خورد علی التقریب
 (بخدمت برابر قد و اندام شان ساخته داده میتوانید)

کالای گرم عرصه کار میدهند اما از نخ ناستمته نشوند
 ممکن نیست لهذا باید در تعداد زیاد باشند - چون هر هفته
 آتش کرده میشوند لهذا چهار جور باید ساخته شود تا اگر یکی
 بر بدن باشد و اتفاقاً در نزدیکی جمع شوند یکی نزدیک
 موجود باشد .

کالا باید در سال دو دفعه شمرده شود و با فهرست مقابل نشان
 کرده شود و کالا یک در شروع موسم تیار شود در فهرست
 مندرج گشتمه نو شمار شود .

در کتب دیگر

زیوریه

زیوریه هر قدر که برای زنان عزیز است محتاج بیان
 نیست حتی ضرب المثل گشته که زن از اولاد و زیوریه
 نیکتر بود - زیوریه بیشتر ثروت و بهر انسان خواهش
 ثروت دارد - اما ثروت حقیقی خوبی و بهر انسان است -
 اگر خانه از دولت هنر و کمال محروم باشد و او از زیوریه
 بالا مال باشد مستحق هیچ عزت نیست قبل از آرایش
 ظاهری فکر زینت باطنی باید کرد - اگر خانه بآرایش
 باطنی موصوف باشد زیب ظاهری هر چند نباشد در غرض
 قلت نماید لیکن اگر از آرایش باطنی عاریست زینت
 ظاهری تلافی آن نمیتوان کرد و حص زیوریه اکثر زنهارا چنان کور
 میسازد که از حیث واستطاعت خود افزون زیوریه میسازد
 اگر چه شوهر مقدور آن داشته نباشد و نام مقصد خود را حاصل
 نگنند و درین امر تقاضا مینمایند - بعضی اوقات که ام زیوریه

جدید را دیده اگر نویسنده نشود کهنه را شکستاده از آن جدید تیار میکنند
اکثر آدمیان زن و شومسای همین عرصه و از جنگ جلد واقع میشوند
طمع البتة از عقل و عزم بس در دست یار کار باید بموجب حیثیت باشد
از قرض و وام هم زیور ساختن زیور است چه بالاخر همین زیور بقصیت
از آن فروخته تا دین قرض لازم بنشیند. بعضی خانها هنگام عروسی و
برای استحكام ظاهر و ارمی خود از دیگر خوانین زیور عیار
گرفته میروند و اولادین عادت نمائیش باطل میاقدردم
مردمیکه شمارا می شناسند گاهی باورش خواهند کرد که این
از شماست زیرا برنج اغنیا بنظر دیگران طلا میخورد و مسکین
اگر طلا پوستند کمان برنج میروند پس خواه خواه چه ازین
وضع ریا و فریب بنظر دیگران دلیل و حقیقه شوید سوم اگر زیور
عاریت اتفاقا قلم شود تا وان میافتد که بارگرا تا حق است
و شرمندگی پیش خانم زیور در جداگانه تکلیف است
لهذا قناعت بهمان باید کرد که حق شماست و از غیر نمیستاید
اگر مقدرت باشد البته حسب استطاعت زیور سا

اما اینقدر نیکه همه پس انداز خانه را انداختن سازید بلکه
لازم است که چیزی در بنک (یا در شرکت های متجا) ^{رست}
داده شود.

زیور های تیار کردگی بازار همیشه منقوش میباشد
لذا باید از خریدن آن اجتناب کرده خود بواسطه زرگر تیار ^{شود}
زیور باید سبک و خوشنما باشد و باید زرگر معتبر و در صدق
معروف باشد. زیور باید مرصع نباشد خصوصا آنکه در زهره
مستعمل باشد زیرا در ضرورت شکستادن آن نقص
واقع میشود. البته اگر زیر مرصع و جواهر نشان براس
استعمال بعضی اوقات باشد مضائق ندارد.

بعضی خانها از شوهران شان پنهان زیور میسازند که علاوه
بر بد معاملتی احتمال تصحیح زرحم دارد که براس ساختن زیور
داده میشود. لازم است که همیشه بد ریخته مران خانه زیور تیار شود.
براس زیور های طلا و نقره اولاً و نقره ثانیاً و نقره
از عراف بخرد پس اندک از آن نزد خود نگاه کرده بانی زرگر

در این کتاب در بیان زیور و نقره و طلا

بدید چون زیور تیار شود آنرا از نزد دیگران گمروند کنید
 و آنرا که نزد خود نگاه کرده اید باز یور نزد صراف فرستاده
 تحقیق نمائید که آیا هر دو یک رنگ اند یا بخش در زیور است. بعد
 از اطمینان بزرگرا حوره بدید:

چون زیور به او داده شود اگر در آن نشان باشد دانه یا شمار
 کرده در کتابها نویسد و بهتر اینست که یک آدم خودتان
 در دکان برود چون جدا داده شود و آنگاه موجود باشد
 چون زیور قیمت در چیز است در حفاظت آن احتیاط زیاد باید کرد
 مگر آن بوقت پوشیدن محکم کرده شود و هنگام
 و نه در آن گشته باشد باید بیا زیکجا محفوظ گذاشته شود
 گره یا مهر مضبوط باشد. همین خواب همه زیور را کشیده مقفل
 نگاه کنید. بموقع عروسی و غیره چون جمع کثیر می باشد در پوشیدن
 و کشیدن حفاظت فرید واجب است.

هند و قزاق زیور خانه دار بکار است تا هر قسم علفه علیحده نمیکند
 شود. آنرا در صندوق محکمترین خانه خود بگذارید بلکه آن اطراف

کتابخانه است از آنکه زیور است

مقفل داشته باشید که در آن صندوق زیور باشد حتی المثل
 پیش روی اطفال و خدام صند و قچه را باز نکنند و به
 نشان اطلاع بدهید که صند و قچه زیور کجا پنهانند اکثر دردها
 نوکر با خیانت راه یافته خود یا بواسطه دران سرقه را باعث
 میگردد اگر برداشته خانه بسفر روند یا خانه در جهات محفوظ
 نباشد بخانه دیگر که دران و ثوق باشند زیور باید باقی
 گذاشت .

برای اطفال زیور پوشانیدن نه تنها ضرر مال است بلکه
 بعضی اوقات تلف جان را موجب میگردد لهذا اطفال را
 باید ساده نگاه داشت و گاهی هم دختر را در زیور نباید
 فهرست زیور است ضرر است تا اگر ضایع شود و همچنین بچوں
 اطلاع کرده شود در ان فهرست نام زیور نام در گران و زن
 وضع و قطع همه باید مفصلاً نگاشت و نیز تاریخ ساخت باید
 نوشت .

زیور هم باید مثل کجیز یا پاک و صاف نگاه شود هر چه حرکت
 زیور

نشینند

تاریا سے زیور ہم باید از روغن و گرومیرا باشد اگر کے
 قیمت در ترین اشیا را پاک و صاف داشته نباشد ^{است} دال
 برینکه در چیزا سے معمولی لاجرم غافل خوانند صفا فی روح و
 روان هر شے است مثلیکه از انداختن تیل و چراغ گل شدنی
 جان میافند هر چیز از جلا یافتن زنده میگردد - بهتر است که بعد
 از کشیدن زیور هر حصه آن با برش پاک کرده شود و صفا
 زیور شوی جدا میباشد آن هم صاف کرده شود - زیوریکه چو آن
 نشان نباشد با تنکار چینی پاک میشود که اثر از زیور را لیده بر
 توغها میکند از دستکار آب شده از نقش های زیور چرک
 سے برد - زیور نقره را در آب انداخته بردگدان می نهند پس
 با برش پاک میکنند - ترشی هم در آن زیور سے اندازند که بد
 است هر چه ش چرک را سے برد - ذغال سائیده را بنقره منقش
 مالید پس بجا بون میثوبند - اگر این تدابیر از دست تان نیاید
 بهتر است که بچو فر زیور رو پیه نقد داشته باشید که مفید است

۶۹
پاپوشن

برای صحت انسانی پاپوشن نهایت ضروری است
 در برابر آفتاب و چشم درد اطفال مفید است که جرابها با پوست پوشیده
 میچکاه آنرا نکشد بدون دوا شفا حاصل میشود و برای آفتاب
 و ماغ نیز گرم داشتن پاها لازم است اگر پیزار تر شود باید
 فوراً کشید زیر آب بسیار صحت است - برای خشک
 کردن کفش تر آفتاب یا آتش موجب کفیدن یا درستی
 چرم میگردد و لند در سایه خشک باید کرد - اقلاد و پیزار نگاه
 باید کرد تا اگر کی تر شود دیگر پوست شیده نشود - اگر چه برای
 مضموطی پیزار تیل مفید است اما بعد از آن گردی نشیند لهذا
 بدون ضرورت سخت تیل استعمال نشود - برای بورتیا
 روغن بازاری وقتاً فوقتاً ضروری است تا صاف و نوبانند نیز
 محکم باشند .

چاپنی

در خانه باید چند چارپانی زائد باشد تا برای همانها بکار آید

این قسم چارپائی مناسب است که خوب باشند
برای استعمال روزمره باید سبک باشند تا در بیرون
و درون آوردن و بردن آنها زحمت نشود پایه های
رنجین در آفتاب بدرنگ میگردند پس باید آن درون
یا در سایه باشند در باران چارپائی را خود آن درون
برده شوند و رنج میگردند اگر انوار بافت باشند باید هر وقت بالاس
آنها چادر گسترده باشند زیرا دو باره بافتن آنها تا از جدا کردن
خواب کشیده شود بسیار زحمت دارد نیز از شستن مکرر بخواب
خراب میشود چون شستن را ده شوه اول باید کرده شود
پس هر دو سر آن نشان بخت زده شود بر اطفال لازم است چارپائی
خوردگشته دار باشند تا در خوابان بختند چون چارپائی سوراخ
شویا کند شو فوراً بر ممت آن باید پرداخت رند چند روز همه ناقص میگردد
بعد از بخت چارپائی باید محکم کرده شود و ریست نشود و خوب کلیمت میگردد
چارپائی برابر بام بالا کردن دریدر بسمان بسته از بالا کش کنید در صورتیکه پایه های
آن طرف بیرون باشند دو پایه سوی سوراخ بلند باشند بهتر
است تا در خواب آرام حاصل شود

خواب

خواب جزو محنت است چون همه روز در محنت و ماندگی صرف
 شود شب راحت و آرام بکار میشود که بقرار هدایت اطباء از
 هشت ساعت پیش و از شش کلم نباشد بهر کیفی از
 شش ساعت بیشتر خواب خوب نیست چه زندگی
 انسان مختصر است و آنرا زیادتر در خواب گذرانیدن خلاف دور
 اندیشی است خواب روز مضر است الا برای است اطفال و بچه
 و پیران گسائیکه امراض زکام و نزله و ضیق النفس دارند از خواب
 نیمه و بجز میگردند و همگنان مست و کامل میشوند
 لباس شب باید جدا باشد که نسبت بر روز کشال میباشد بوقت
 شب هنگام خواب برهنه بودن برتر است الا کسیکه عادت
 آن داشته نباشد تابع حمله زیر شش میشود
 مرخورد اندرون کاف و چیده که تنفس بیرون نرود خوابیدن
 سخت مضر است هوای مستعمل و مان که پس در مان
 داخل شود یا دماغ در آید مثال آب است که انسان از مان

کتاب در طب
 در خواب

برآورده پس در دمان داخل کند اما چون هوا بنظر نمی آید قبلاً
معلوم نمی شود اما ضررش تبرهست .

غَسِیل

شستن

جسم انسان بمنزله ماشین است که پاک و صاف نگه
آن لابد است - کثافت بدن از دو طریق حسب معمول خارج
میشود اما طریق سوم مسامات است که از راه آنها کثافت
می براید اگر این صور آنها را که کوچک از چرک مسدود
گردند البته آن غلاطت زهر دار مولد آفات میشود لهذا هر روز
بای غسل کرده جسم خوب مالیده و پس بدستمال مالیده خشک
کرده شود تا مسامات باز بمانند غسل آب سرد جسم انسانی را
قوت می بخشد و چست و چالاکش می سازد - در گرمی
آسان است اما در سردی بآب بخ عادت انداختن منجواهد البته
اینقدر آب سرد نباشد که تکلیف بدهد .
کسانی که دایماً شکایت نرز کام و هوازدگی و غیره مینمایند
اگر بتدریج عادت غسل سرد مینمایند از ندرت قرار او عا و دکتر

در این کتاب آمده است که در این فصل

شکایات فوق دفع میشود.

برای مرخصیها و اطفال غسل با آب گرم لازم است
 که گوارای شان باشد. برای اطفال لازم است که از
 آب شیمیر گرم شروع کرده تدریجا آب سرد و شان بیارید زیرا
 آب یخ مقوی بدن و اعصاب و محرک دوران خون و مفرح
 دل است اطفال از آب یخ اینقدر بد نمی برند که از هوا
 سرد بزند آقبل از غسل احتیاط لازم است که آند و رفت هوا نماند
 غسلخانه نباید در شرجی آنها بلند داشته باشند که آوند شده بتوانند در آنجا
 دروازه و کلکی غشیا نیاپروه باشد یا خود آئینه شفاف نباشند تا در
 فلان وقت کوزه یا غسلخانه برگروچی بلند مانده شوند تا چنگ که
 آب گنده با آنها نپزد. طاق یا الماری در غسلخانه لازم است تا در آن بسوای
 یا برش بسفوف ندان صابون آئینه کیمه سنگ پا و غیره نهاده شود و همچنین برای
 آویختن کالا های ضروری است یک سینی چوبی یا سنگی نیز بچا است که بر آن شسته شوند و غسلخانه
 باید چفته باشد تا آچینه بشود و صفای غسلخانه بعد از هر غسل موکد است چون
 یک غسل کند تا کالاها چرکین و غیره بر داشته شود تا بر آید و یکس موجب

نقرت نگرود۔ بعد از غسل اگر اندک فغانل پاشید شود
خوبست۔

احتیاط باید که زیر چوکی غماخانه کثر دم و کرم و غیره جاس
نگیرد و لازم است که همیشه پاک و صاف نگاه شود۔ دیگر اینکه
بر چوکی ایستاده از ابر پوشیده نشود زیرا در صورت احتمال
افتادن است باید بعد از غسل بدن صاف و خشک کرده
بدیگر جاس نشسته کالا پاشیده شود۔

برای سرشویی صابون خوب مناسب است اما مویها
از آن خشک و درشت میگردد۔ مصالح دیگر که افاده آنها اثر
و اکثر مسلم باشد استعمال کرده شود۔

بیت الخلاء

شترزاده های دلی بیت الخلاء را صحت خانه میگفتند حقیقت
بیشتر در ویدار صحت بر نیست لهذا باید در صفائی کثافی
و بهداشتی آن توجه زیاد مبذول شود۔ بهتر است که نصف جاس
مسقف و نیم خالی باشد تا در تابستان و زمستان آسانی

باشد اگر کاملاً مسقف باشد هر چهار طرف روشن و آنها را
 است بر هر دو طرف دیوار آن طاقچه‌ها باید که در آن بعضی چیزها
 لازمه نهاده شود متصل آن جای استنجای باید اما باید هم و
 غلاظت جمع نشود آب باید پذیرفته بتواند و لامی و غلاظت
 هر وقت شسته کشیده شود استعمال فانی بسیار ضرورت
 چون خشک یا اگر آنهم نباشد خاکستر انداخته شود یا خاک
 بیج صورت نجاست برهنه افتاده نماند و نه ذرات یا بخارا

آن به هوا آمیخته در تنفس داخل میشود
ضبط اوقات و احوال

هر خانم ترتیب کارهای خود موافق حال خود مینماید اما عموماً
 بهتر است که اولاً غسل کرده شود که از آن استیلا روز شب
 گذشته و ماندگی آن دفع میگردد و براس آبی طبیعت
 مستعد و فعال میشود بعد از آن عبادت مفروض است
 در آن حق عبودیت او شکریه معبود سجا و براس فضل او
 دعا کرده میشود پس ناشتا است که در آن انشیامی بارانجا

باید که در این وقت از خوردن و آشامیدن اجتناب کرد

مناسب نیست - چای و تخم مرغ نیمجوش و کلچر بهتر است
 اطفال بعد از آن در کار و بار تعلیم خود مشغول گردانیده شوند پس
 یا پیش از آن رخت خوابها برداشته شود و بچای
 علیحده و مناسب گذاشته شود. فروش و غیره تکلیف
 درست کرده شود - پس انتظام طعام است گوشت در کار
 و غیره خواسته شود. مصالح ساییده و آماده کرده شود و غیره
 همیشه و تیار داشته شود. هنگام نجات نگرانی وقتاً فوقتاً لازم
 تا نوکرها غفلت یا خیانت نکنند تا تهیه طعام خام در دو وقت یا
 تدریس اولاد یار دیگر کارهای ضروری مصرف
 باشد. براس کارها اوقات حسب آرام و آسانی
 خود باید تقسیم کرد.

بعد از نماز ظهر تیار سی طعام شب است - قبل از شام صفائی
 چراغها و آماده گی آنها لزوم دارد و بعد از طعام شب و نماز عشا
 خانم اطمینان خود را بپارده که همه درازه های خانه بسته
 و همه صند و قهاس که حفاظت طلب اند مفضل گشته اند

در وقت خواب بچه ها را در یک طرف بستر خوابانند

در کارهای دوختن و بافتن مرمت کالاهای کهنه بسیار
 ضرور است ورنه کافایه چیده چیده با نکل از کار می
 براید کالاهای بسیار پارده شده علل خود باید که تا بچو فصل آنها
 فکر کالاهای جدید کرده شود علاوه بر آن بعد از گذشتن
 تابستان لازم است که مخاف تو شک و کالاهای گرم
 تیار کرده شود و در تابستان کالاهای گرم در اقسام آنها
 شوند تا گرم نشود و در شان کالاهای گرم را از اعیان و غیره مطلقاً
 اند باید بسیار بیشتر تیار ساخته شوند ورنه یقیناً موقع بسیار گریز
 می افتد و در کانداری بلند و مانع میگردند قبل از اعیان و غیره
 جازوب و پاک و صاف کرده شود و همه اشیاء از سر نو بساز
 مناسب ترتیب داده شوند و اگر ممکن باشد سفید کاری آنها
 کرده شود

علاوه بر صفاتی معمولی در هفته یکبار با تمام مزید سرشته
 نظافت لازم است - براسی تصفیه هوا سوختن چرک
 و گوگرد بسیار مفید است براسی خود تمهید در ساختن

در کارهای دوختن و بافتن مرمت کالاهای کهنه بسیار ضرور است

اطاقها لو بان بهتر است اگر مقدور باشد هر روز فقیله های
آن در دادن خوب است .

باطفال توجه خاص مطلوب است تا عادات ترتیب و سلیقه را
بیا موزند - هر روز علی الصبح رویها را شستن کمالا
شود - در باغ پاک کرده شود - طریق استعمال شمال یا یاد بگیرند
یعنی خوراکیهای پاک کننده دندانها شستن غافل صاف کرد شود - بیشتر
اطفال مفید است خصوصا برای آنکه از چشمها شان آب جاری باشد
در هفته یکروز سر کلی شان لازم است - سرهای دخترا
نیز بدستی شسته و موها را بخوبی نگاه داشته شود - اطفال را
از برهنه سر و برهنه پا کشتن و از دیگر عادات زشت با
دارید خصوصا برای اطفال لیکن چشم درو باشند برهنه
پا کشتن بسیار مضر است .

اگر حساب اخراجات روزمره نوشته شود و گوییم رویه
که بمصرف رسیده است موجود میباشد و اگر نوشته نشود
چنان مینماید که ضائع شده باشد - تمام روز چیزی بیکه خرج شود

در وقت شستن با آب سرد و روغن زیتون

تخریبیاید و شام میزان آن کشیده شود - چون ماه با ختم
 برسد هر چیز جدا نوشته اندازه کنید که در ماه چقدر رزق شد
 پس مقابله آن بماه گذشته بنمایید اگر کسب همچنان داری
 افزونی مصروف بنظر آید خیر ورنه احتیاط کنید که بیجا خرج نشود
 باشد - علی هذا القیاس بسا تمام میزان همه اشیا را معلوم
 کرده بسنه گذشته موازنه کنید تا که تمام اخراجات بخوبی بنجیده
 براسه آید و انتظام مفید کرده آید .

کتابخانه

حفاظت کتابها براسه هر خانه ضرورست - در مفته کتب
 کتابها پاک و صاف کرده شود و بعد هر شش ماه یا سال
 در آفتاب گذاشته شوند - کتابها باید پشتی داشته باشند
 بر جلدت نفیس دیگر پشتی سبک داده شود - براسه حفاظت
 کتب کافور یا یوکلپٹاژن نهادن بسیار مفیدست -
 در المارسی کتب یک فهرست آنها هم کارست - چون
 کتابی بکسے مستعار داده شود در یادداشت مع نام

و تاریخ و غیر کتاب باید نوشته و چون واپس گرفته شود
 نیز تحریر اصول آن ثبت شود. بعد ماستیه و ورق اقل با یک
 سفید نام مالک باید نوشته بر یک جاس چینی نوشته
 شود. کتابها نیک در الماری باشد بر پشت آنها اسم نشان
 باید نوشته تا هر کتاب آسانی معلوم و کشیده شود.

اقیصا کجراغ

در سر ما اینقدر رقیل در چراغ ناسی سوزد که هر خانم خواه خواه
 تقلیل آن میخواهد. باید بنگاهم خواب چراغ خواندن روشن گذاشته
 نشود بلکه چراغ روشن باشد که در آن فقیله بار یک بود و رو
 کم بد تا اگر ضرورت چیزی در آنجا خواب باشد
 آدم بدون فراحت چیزی بر خاسته و آن چیز را
 برداشته تواند. براس نگه داشتند شیشه حفاظت
 آنها از غفلت مطلوب است و نیز از آبی که همین سوختن بیان
 نریزد. اگر چراغ را که در آن فقیله بلند باشد بیرون بدست
 برید نیز احتمال شکستن آنست. باید قبل از بردن برآتش

فقیله اش را پایان سازید و چون شیشه کسب نج شود بپزید
 اگر شیشه بچراغ گذاشته فوراً فقیله را بلند کنید شیشه باز
 می شکند - اگر شیشه نور را در آب انداخته جوش بدید
 و پس فرود آورده در آب بگذارید تا سرد شود - در صورت
 نیز احتمال است که شیشه نشکند و خوب محکم گردد. بوی
 تیل از صابون نمی رود بلکه باید بجاک یا دیگر چیزی که موزون
 باشد شسته تر از پیش روی آتش چوب گرفته شود تا خشک
 شدن بوی کم میشود.

اِحْتِیَاط

در احتیاطات بزرگ انتظام باید چند روز پیشتر شروع کرده
 شود - اولاً باید دید که سر رشته تا که ام روز کامل خواهد گشت
 و مدعیین بکدام روز سهلاً شریک شده خواهند توانست لهذا
 از آنها مشوره گرفته تعیین روز باید کرد - این احتیاط هم لازم
 است که در نیکو نوع مواقع شادی کدام وسعت و عزیز فرود
 نشود ورنه شکایت دائمی میماند که تلافی آن محال است

در احتیاطات بزرگ انتظام باید چند روز پیشتر شروع کرده شود - اولاً باید دید که سر رشته تا که ام روز کامل خواهد گشت و مدعیین بکدام روز سهلاً شریک شده خواهند توانست لهذا از آنها مشوره گرفته تعیین روز باید کرد - این احتیاط هم لازم است که در نیکو نوع مواقع شادی کدام وسعت و عزیز فرود نشود ورنه شکایت دائمی میماند که تلافی آن محال است

هنگام دعوت از بعض احباب و اقربا پرسیده شود تا که
 نماز، بقرار تعداد و نفری حساب اطعمه و ظروف و غیره باید
 کرد و جنس خور و نی چندی قبل از ضیافت و پیش از وقت
 باید خرید و همه اشیا مهیا و تیار نگاه باید کرد و ظروف پیشتر سفید
 باید کرد و اگر برای جهان با جلسی گفتنی نباشد نزدیک
 کدام خانه کرایه یا مستعار گرفته صفائی آن کرده و همه سامان
 آن تکمیل نموده شود. سامان نیز اگر ضرورت اقتد بگرایه یا عاریت
 گرفته شود بگرایه از نجربت بهتر است که اگر کدام چیز خراب شود
 تلفی آن بجای شرمندگی بر و پیه نموده شود. بگرایه باید بقصد
 استطاعت سامان گرفته شود تا در تادی تاوان باز یافتد
 هر چیزیکه از دیگر کسی خواسته شود بطور ایشان یک کا
 بران زده شود و نام بادله بجایش و دو فرست این اشیا
 باید ساخت یک پیش صاحب آن باشد و دیگر نزد شما
 عینا همان چیز پس داده شود.
 در اطاقهای جهانها تمیز باید کرد که برای جوانها و پیرا

در اطاقهای جهانها تمیز باید کرد که برای جوانها و پیرا

و اشخاص مختلف انخیال اشیا مناسب احوال شان باشد
 و صحبت با مجنسان میسر شان آید مثلاً برای کسی پیر یا قالدین و تکیه
 و توشک و برای جوانها چوکی و مینر علی هذا القیاس
 دیگر چیزها اهتمام مناسب و رزیده شود.

برای دست شستن لکن باکے متعدد و مطلوب اند
 تا در دست شستن تاخیر شده طعام بیخ نگرند و دستها
 نیز بسیار باید و یکبار شسته شده باشد زیرا نواب بسیار
 نمیکند - تفدا آنها هم بسیار باشد تا همانها مجبور آید و
 و غیره تف نکند .

در اطاق مهمانها بودن آئینه هم ضرور است - صراحی و گلاب
 البته ظاهر است که باشد و حسب موسم کبه یا چوری بگاز
 دیگر اشیا نیز که خوب یا بد مثل سکرش و چمکه که همان با عادت
 داشته باشند نزد شان مهیا داشتن مناسب است
 شمعه مع قتی که در هر اطاق باید نما تا اگر چراغ گل شود و آنرا
 کا میتوان گرفت - چون مهمانها اکثر ایک مشغله میخواهند که با

مسره و با شند لهذا موجود بودن شطرنج، قطعه و غیره با بار
برای خاطر و ملاقات شان موزونیت دار و اعتبار
در مسائل تصویر نیز بر مینما گذاشته شوند برای تحریر
مکاتیب قلم، دوات و کاغذ نیز برای مهمانها لزوم دارد
بعضی خانمها با خود اطفال را میآوردند برای شان تهیه
شیر تازه مطلوب میشود. آنرا باید خواست که بدیگر
مصارف بهمیتوان رسید. دیگر چیزها مثل بادیا و غیره
که برای بچه لامیدند نیز موجود باشد.
صرف افراط اشیا برای مهمان نوازی مکتفی نیست. اما
انها لازم است که بواسطه اقربا و احباب برگزیده اجرا گردد
شود مثلاً یک برای استقبال و پذیرائی و مشایعت
دیگر برای چای سوم برای آب چهارم
برای طعام و غیره علی بن القیاس هر شخص یا نفر
دیگر مسئول یک کار کرده اند و تا طرف و غیره بدم
یک شخص بوده همه را تکببانی کند و نیز برای او معاونها

داده شود تا شرب در روز مصرف بوده بکوقت استراحت
 هم بیاید این منتظمها باید جهانهار از همه سرشته با آگاه بسیارند
 فلان چیز کجا است و فلان خانه کجا است - در ضیافت طبعها
 ماعات متمولین و اغنیاء و بے اعتنائی از مردم کم مرتبه
 و نادار نباید کرد بلکه همه را بمساوات دیده در رضا جوئی و مدارا
 شان باید کوشید تا بر اے بعض مردم کم استطاعت
 موقع شکایت پیدا نشود زیرا اهل ثروت بخاطر دارسی زیاد
 خوش نمیشوند و اشخاص مسکین باندک توجه خورسند میگرددند
 اگر جهانها کم باشند متعلق اطعمه باید پر کند ام چیزها را حیح
 میدهند و اگر احتفال بزرگ باشد عموماً آن خوراک با بخت
 که مروج و عمده و خوش ذائقه باشند طعام باید گرم گرم
 خورده بتوانند و بسیار احتیاط درین باره لازم است طعام گرم
 به جهان برسد - بر اے آب حتی الامکان گلاسهای
 جداگانه بهر کس داده شوند و اگر مشکل باشد کلاس آب خوردن
 شسته بدیگرے بدهند - طعام هم حتی الوسع بهتر شخص در

طرف علیحدہ دادہ شود کہراہیت یکے بدیکے سلطنت
 اہتمام چاہے ہر قسم صبح و شام باید کرد علی الصبح مسکے
 وغیرہ باناشتہ باید داد و براسے شام بسکٹ یا کدام چیز
 خفیف و لطیف ہمراہ چاہے باشد مثلاً تخم نمچوش ایک
 میوہ وغیرہ .

چون براسے مہمانہا ہمہ سامان ضیافت ہمیا کردہ شود نو
 کہ بائہا باشند فراموش نباید کرد بلکہ سعی نمودہ شود کہ چون
 مہمانہا طعام بخورند بوکرہا کے شان جدا ہما وقت نان
 دادہ شود تا بعد از فراغ طعام چون انہما مطلوب بادارہا کے
 خود باشند مثلاً انہا رخصت شوند نو کرہا فوراً بایشان
 رفتہ بتوانند بدون تناول طعام نروند یا بادارہا کے شان
 منتظرشان نباشند۔ اگر نو کرہا ازجا کے گئے دو
 یا از دیگر شہر بیایند بیشتر بخاطر داری شان باید پرداخت
 بلکہ بہتر خواہد بود اگر انہا را بوکرہا کے خود بسیار یکے انہا
 مہمانہا کے تمامید باشند۔ ازین تدبیر مجادلات بین نو کرہا

و قوع نخواهد پذیرفت چون بدست نوکرهای خود چیر
خارج احتفال بخانه کسی بفرستید یا دو اثرت آن بنویسد
تاظروف کم نشوند.

بعد از ختم محفل همه اشیا مستعار فوراً واپس باید گرفت
و درین باره سستی باید راه نیابد اگر کدام میزچوکی چارپای
و غیره بشکند یا خراب شود و مرمتش کرده باید فرستاد اگر
کدام ظرفی گم شود و مثلش خرید باید داد اگر فرستاده شود
اولاً باید شست و ازین خرابیها و تبدلات معذرت
خواستند بشکر شخصی باید مبادرت کرد که مالک آن چیز است
علی بن القیاس خانه نیکه بگرایه گرفته شده باشد اگر طالب
صفائی و مرتکاری شده باشند درست کرده پس تحویل گیرد
و اضع باد که مسرت و عزت ازین ضیافت و احتفال
کثرت و ازدحام جهانها نیست که در آن ابتری و بی
انتظامی باشد بلکه احترام باید ازین میان متضمن است که هر جهانها
کم باشند آرام و سایش برسد و راحت طمانین یافته از شما خورسند و تشکر کرده

تعمیرات تربیه اطفال

در فراغ خانه تعلیم و تربیه اطفال بسیار مهم است و درین تعلیم و تربیه دینداری از همه مقدم است اما دینداری ازین مراد نیست که مسائل متعدد و بعضی و عادات و کلمات و غیره فقط کرده شوند بلکه حقیقت دیندار اینست که عادت و خصلت اطفال را مطابق شریعت گردانیده در آن نجات کلی و استقامت پیدا کرده شود تا آن کلام مثل طبیعت ثانوی گردد. احساقی شان نیکو و برنگ شریعت مصیوع باشند. در دلهای شان خوف خدا معلوم در معاملات خود با خدا و خلق است که پوره باشند بر احوال این غرض، اجتناب از سخنان زشت و اختیار صحبت خوب و مطالعه حالات صالحان لازم است، و از همه الزم این امر است که والدین و بزرگان خانه پیش اطفال، از طریق عمل خود نمونه جسم

نیکی و دینداری تقدیم کنند.

معنا سے نیکی تنہا نماز خواندن و تلاوت قرآن مجید نیست
بلکہ این ہمہ است کہ بموجب حکم خدا حقیر بقدر ادا کرده شود
بجا آوردن احکام بزرگان، دستگیری مفلسان و محتاجان
اداء مصیبت زدہ بیوہ، مدام نظر باشد علاوہ بر آن خواندن
قرآن مجید و فهمیدن معانی آن بانماز، البتہ ضرور است تا بر
زندگانی جاودانی عقبی ہمیشہ آمادگی باشد.

اگر استطاعت باشد در شکرانہ آن مناسب است کہ در
خانہ یک اطاق بنام مسجد علیحدہ باشد کہ در آن علاوہ بر
پاک نقشہ، مکہ مکرمہ و مدینہ منورہ و کربلا سے ملامت
و دیگر مقامات مقدسہ و بعض آیات شریفہ در طغرائے
خوشنما و قطعات و بلعجات بدیوار نصب و آویزان باشند
چون این اطاق ہمہ شبیائے مقدس آراستہ باشد
دل تان از ان زیاد تر بصلاح مزین باشد در زمان آنحضرت
صلی اللہ علیہ وسلم بعض اصحاب کرام در خانہ سے خود

چنان اطاعتها داشته، مکنان مردوزن و فرزند کجا نامخواید
ثواب چنین نماز هفتاد حصه افزون وقت بیان شده است.

اطاعت قانون

اگرچه خانها یا امور حکومت تعلق داشته نباشند اما لازم
است که از بعض قوانین باخاصه آنکه تعلق بخودشان دارند
آگاه باشند مثلاً قاعده های بلدیة مخصوصه آنکه از نظر
حکومت یا بلدیة میقرراند باید همه تادیه کرده اموال داشته
در خانه خود بیارید و از انجمن هیچ شیء یا مقدار آن پوشیده
نشود زیرا حکومت یا بلدیة از همین محصولات انتظامات حفا
وامنیت و رفاه شمارا مینماید. خانم ها اگر قانون ضروری شهر
و محله خود بدانند اولاد خود را آگاه ساخته از اول پابند قانون
گردانیده میتوانند که این هم یک امر دینی است چه اطاعت

اولی الامر حکم خداست
مرض و عالجش

در معالجه غلطی بزرگ اینست که بیاریرا بلا تحقیق و تشخیص

خفیف پنجاه شته رجوع بکدام طبیب بآن تجربه نموده شود
بعض اوقات علامات خفیف تعلق بکدام علت خطرناک
داشته میباشند لهذا تشخیص کار حکیم مازق است - در
اضطراب مرض یک مشکله در پیش میآید که تیمار در آن
صبر و شکیبائی را از دست میدهند و زود زود معالجه
تبدیل کرده میروند و هر داکترے را که توصیفش میشوند
سولیش رجوع میآرند - این طریقه بسیار بدست داکترے
شما اعتقاد کامل بردارید و مردم خوب و تجربه کار تعریفینما
باید منتخب کرد و موقع معقول معالجه اش باید او بر شروع
یک علاج زائل شدن اثر علاج اول و پدید آمدن اثر ثانی آخر
یک مدت میخوابد پس تعیل نامناسب خوب نیست و
از تبدیل کمر نسخه هایما تخته مشق میگردود
گلے چنان عارضه با در خانه پیش میشود که تا رسیدن داکترنگا
مریض مشکل نظر میآید پس براسے چنین ضرورت تدابیر
جدیدیان میشود -

غشی که بیشتر بزنان و کلبه همه ببردان لاحق میشود و انسان
یا مثل مرده میافتد یا نهیدان میگوید از پاشیدن قطرات آبیخ
بر روی عمو مازا نل میشود درین حالت سر را باید برهنه کرد
دکه های پیراهن و غیره باید وانمود پایها باید گرم شود
خواه باند اختن کالای گرم یا کند شستن پای در گرم
بو کردن ایمنیا کارب نیز مفید است

ضرب خفیف از تر بند کردن مندل میشود چون خون براید تکه
لمل باریک که کمال اصاف باشد هر وقت تر بسته شود و در
آب آمیزش برف یا یخ مفید است اگر زمستان شدید
نباشد آب را اولاجوش داده یخ کنید تا میکروب با
کشته شود اگر خون براید محض با پنبه گرم بسته گردنش
کافی است.

مرفه از استعمال رب السوس کم میشود که یک تکه آن در دانه
نهداده آتش چو شیده شود اگر سرفه بسبب زکام شود
بعلاجش باید پرداخت این نسخه برای زکام هر قسم مفید است

در این کتاب
مفید است
در زکام

کل نفسه ۹ ماشه گاوزبان ۶ ماشه اصل السوس ۳ ماشه
 بهیدانه ۳ ماشه سپستان ۹ دانه نبات دو قوله دیگر
 نخو گاوزبان ۶ ماشه بهیل خورد سه ماشه هر دو را جوش
 داد و صفا کرده با شکر آمیخته مثل چای بنوشند
 اسهال اگر سوء مضمض پیش شود علاجش یکد و دفعه فاقه
 و پس طعام نرم لطیف خوردن - اگر اسهال زیاد شود و لقا
 لاحق گردد استعمال کدام چیز قابض مفید میشود مثلاً بویا
 برشته یا زیره برشته چاک پودر و غیره
 پنج یک مرض تکلیف ده و خطرناک است لیکن در معاد
 نسبت بد البغذا بیشتر توجه باید کرد، تقیل غذا در کنا
 بلا ضرورت اشذنان و برنج هم نباید داد بلکه صرف
 برشیر اکتفا کرده شود - باید دید که در معده سده نباشد
 شب اسپغول خورده صبح بگریه که آیا خارج شده است؟
 اگر نشده باشد سده است پس جلاب بید انجیر یا
 داد - اگر نارج شده باشد استعمال ادویه قابض مفید میباشد

واضح باد که استعمال روغن بید انجیر محض براسه رفع
قبض نیست بلکه خواش امعا را نیز دور میکند پس اگر قبض
هم نباشد اندک کبشتر ائل (بید انجیر) موجب آرام و
افاقه امعا میگردد.

بخار موسمی اگر گرفت باشد بزیکه تب نیاید مسهل ^{خفیف}
کرده شود و روز دوم استعمال کنین حوراً شود اما کنین
یک ساعت قبل از تب لازم است هنگام شروع تب کنین
میچ فائده نمیکند در تب سرهمه تب باید برهنه داشت
و در غش کلاب سر که را باله پاشیده بر پسر باید نهاد و
روغن زرد و نمک را آینه کفها ^{کفها} پاک مالیده
شود تا گرم شوند البته که در آن روغن و نمک آلوده باشد
مالیدن هم کفایت میکند در صورتها ^{شده} شدید چون تب هم
زیاد و غش هم باشد تا زانو در آب گرم نشاندن مریض
افاقه میآرد در حال مریض را از هوا ^{سرد} نگاه باید داشت
و بعد از آن خشک کردن و چیدان در کالای گرم لازم است

باید در این وقت که تب است در کالای گرم نشاندن مریض را از هوا نگاه داشت

سوخختن۔ در صورتیکه زخم از سونختن عمیق باشد
 ڈاکٹر علاج کند و در حالات معمولی چون محض آبله شود سفید
 تخم مرغ بر آن جاس نهاده شود چون بلغه باز نهاده شود
 سفید می مذکور مفیدترین است۔ سوڈا هم در آب
 تر کرده ضماد کردن یا محض آرد تر کرده بر جسم نهاده خوب است
 اگر آبله بر قدم هم رال سائیده با تیل شتر شحم و چهل کرت با آب
 سرد شسته چون شکانش بمسکه بماند، ضماد کرده شود.

نرچه خانه

تولد و بعد از آن بسلامت غسل کردن با سبزه خانم حیاتی
 تازه است۔ براس نرچه اطاق روشن و صاف بکار
 که در آن بجز یکد و پلنگ، و یک میز و یکد و چوکی و سائیندی
 دیگر چیزی نباشد۔ استیاس ضروری نرچه خانه مثل او
 لباس طفل پانزده بیست روز قبل از وقوع همیا باشد۔
 کدام دانی همیشه تجربه کار هم قبلاً باید استخدا م کرد و حتی
 المقدور او را شب و روز در خانه باید داشت.

۹۶
بعضی از ایا خلاق
اقتصاف

این را نمیتوانیم گفت که اقتصاد چقدر خرج کردن است زیرا
خرج همیشه با اندازه دخل میباشد اگر کسی صد روپیه دخل
وارد و پنجاه خرج، اقتصاد است و اگر صد روپیه خرج کند اسراف
است، لیکن اگر کسی سی صد روپیه دخل دارد و برایش
صد خرج کردن اسراف نیست، پس اقتصاد این معنا
دارد که از دخل خود یک مبلغ مناسب پس انداز کرده شود
که باین مصارف مطلوب است:-

(۱) اگر در خانه کسی مریض افتد براسه دوا و درمانش
(۲) بر خود یا بر کد ام خویش اگر ساعت مصیبت نازل شود
براسه دفع آن

(۳) وقتا فوقتاً در پیشش میشود براسه کرایه و غیره

(۴) براسه تعلیم و تربیه اولاد

(۵) براسه اخراجات ضروری شادمی و غم

(۶) برای تعمیر خانه و ترمیم آن

(۷) برای خرید سامان ضروری آسایش خانه

اگر ما همه آن خود را به صرف برسیانیم برای این ضروریات فوق

از کجا روپیه بهم رسانیم؟

جهت اقتصاد امور چند لازم است .

(۱) خواهش طبعیت را در قبضه خود نگاه داشتن

(۲) از غمناکی و مکاره باطل اجتناب ورزیدن

(۳) بلا ضرورت چیزی نخردن .

(۴) حفاظت مکمل هر چیز خانه را نمودن .

در قیام و داشتن خود پیش از اصول ضرورتی نیست میان روی دست ^{بیش} خود

مختلف اشخاص مختلف با سراف را خوب میسازند که قبضه بر همه لازم

است و سخت ترین بخش نقل است که معمول آن غذا ^{است} سازد

ندارد و در نهایت خود بالاتر از غدی که لذت نشیمن یکند تا هم بر و نقد

نذر شکم میشود

اگر سوداگر پولیده در خانه شمار سید . سند و قی و در او امانت نگاه

طبیعت را در قبضه نگاه داشتن مشکل میشود این وقت از بایش ^{سست}
باید دید که اگر کدام چیز را خرید در آن رحمت یا نقص برسان آید یا
اگر بدون آن کار شود پس حاجت خریدنش چیست؟
یکدیگر مقام لغزش نیلام است که بجا هر اشیا ارزان مینماید ارزان
تر مواقع احتفال است که چو خانها بابته وزیر و رات بیش
بها دیده میشوند و هر خانم خواهش میکند که مثل دیگران ملبس و مزین
گردد حالانکه استطاعت مالی مقدم است - محرکه قومی ترین
اسراف شوق نمود و مکابره است و اندیشه ملامت مردم مثلاً
رسم و رواج عروسی را شریعت آسان قرار داده است اما مردم
از آفرین جلا و نفرین جمعا با خود گران ساختند.
برای خانم مقتصد یک کار بسیار مهم حفاظت اشیا موجود
خانه است اکثر مستورات آنقدر خیال حفاظت اشیا سابق را ندانند
که هوس خریدن چیزهای نورانی است یا سابقاً اگر بدستی
و حفاظت نگاه شوند مانند جدید مینمایند - استغنا از چیزهای
که یک قسم اسراف است.

در حفاظت چیزها که مرمره آنها هم داخل است که نزل
 چیزها که زود ضائع شوند مضبوط میگردند و مدت مزید بکار
 آیند چون چیزهای شکستنی نباید با بد فوراً پیوسته یا ترمیم کرده
 شود تا مبالغه بر آن خریدار شیا که فو صرف میشد
 پس انداز گردد.

قرض

نتیجه لازمی اسراف قرض است چون حفاظت کمائی و میان
 روی مصارف نشود مجبوراً نوبت قرض میآید که ازان ذلت
 مدمش در پیش میشود که ازان پناه خواسته شده است بعض
 خانم با وجود استطاعت ازستی و کمالی خود عادت قرض میگیرند
 مثلاً برزاق ستر و کشیدن رویه زحمت محسوس میشود و بگویند
 بقرض سود ابار اینچنین بنا به قرض نهاد میشود و بر آن
 و غیره اشیا یکبار روزی دره میشود و پاره آن را دیده نشده از دکاند اقرض
 گرفته میشود که چندین بقص دارد و دکاندار سود اقرض جنس کم

میدید دیگر همو آدکانه ارم چینی صداوق نیند که حساب صحیح بنویسند
 و خانمها خود حساب را نمی یسند زیرا اینقدر عادت زحمت
 کشتی ندارند و رتبه خود بر خاسته از منند و قچه پوچ را چر نمی گرفتند
 باریک خانم در باره اخراجات خود گفت که بعض دفعه ڈاکتر اینقدر
 مگر خواسته میشود که بیادوم هم نمیناند که چند مرتبه آمده بود چنانچه
 یکدفعه فیس زیاد ڈاکتر بدمه ماستد و یادمان نماند که او را چند کت
 خواسته بودیم - ناچار از ڈاکتر صاحب پرسیدیم که چنانچه آمد بودید
 و چند فیس واجب الاداست - او هم گفت که یادم نیست آخرتو هم
 با اختیار شد اد که بر قدر از یادیا از تخمین نویسد میدهم چنانچه او
 یک هزار روپیه نوشت و دادیم - ازین قصه مقصود خانم مذکور ^{حقیقت}
 خود نشان دادن بود اما ضمناً این هم هویدا شد که غفلت بی انتظامی
 باین درجه در خانه شان حکم فرما بود که با وجود روپیه قرض تینبر بر خود
 باز آن را نوشته هم نگرفتند
 سر خانم باید از قرض تبرسد اگر که اموجه ضروری قرض شده باشد
 در تادیه آن چنان باید که سید ^{باید} صرف خود را با تقایل نمود

مثلاً اگر سوارسی داشتند با شید بفر و شید اگر پلو میخوردند شور با
 کفایت کنید اگر باز هم سبکدوشی از قرض نشود سامان آسایش را
 مزید کم ننمایند و در همت و فعالیت بیفزایند - قرض چنین بلاک
 در پیشی است که اگر چاره اش سنجی اندیشیده نشود خانه جایزاً
 زیور همه را فرو میبرد تا قرض را در افکار مبتلا مانده خودش رحلت
 میکند و با گوه وار آنها بگردن اولاد افکنده و میرود - چونکه در قرض
 عباد قرض داخل است باید آنرا بوقت ادا ساخت - آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم بخانه قرض در نماز نمیگذاردند - چون بن
 و دنیا هر دو را این بلا در معرض خطر است اندازد باید از سه تطاعت
 افزون خرج گاه میکنند و اقتصاد را دستور العمل خوبتر

غیبت

بتاسف زیاد گفته میشود که عرض غیبت بیشتر بر نهاد تعلق دارد
 چون چند خانها یکجا می نشینند فوراً سخن میرانند که فلان
 بی بی این عیب فلان آن عادت زشت دارد بر لباس بعضی
 نکته چینی کرده میشود بر شکل و صورت دیگران مضحک نموده میشود
 حال آنکه غیبت کنناه خفیف نیست بلکه از رومی قرآن مجید برابر
 خوردن گوشت برادر خود است - این جرم هم مثل قرض تعلق
 بحقوق العباد دارد - بے نماز و روزه خوار گنهاراندا از توبه
 نسیح معاف میگردد اما غیبت را بجان شخص شنیده میتواند کس
 پشتش بگویش شده باشد ورنه جوابد ہی آن برائے عا
 میماند غیبت کننده در دنیا هم بدنام و ذلیل مییاشد - اگر کدام غایب
 غیبت دشمن خود را شنید خوشگردد اما غیبت کننده را از بد
 میداند زیرا همه فهمد چون عیب دیگران پیش آورد و تهمته را
 عیب پیش آنرا نماید غایب باید اختلاف خود و تهمته را تیرانند مثلاً کدام کتابها

خوانده اند که دلچسپ و مفید اند کدام کارها که نافع را امید
 و بهر یک را موختن صنعتها که لطیفه را تذکار و قرار بدید
 و تعریف نکونی که یکدیگر را غائبانه بنامید و از بیان آن
 خانمها اینکه با شما مخالفت از ندیج در میدان میارید اگر نخواهید
 آن عیب را یکدیگر در دیگران میجوئید کم و بیش مانند آنها در همه میباشند
 لهذا بعضی نکته چینی در اصلاح خود باید کوشید - مرحوم پادشاه
 ظفر چیزی که در اردو گفته است سلطان محمود غازی نیز فرموده بود
 آینه خویش را بصیقل دائم روشن کردم و پیش خود نهادم
 در آینه خویش چنان دیدم که عیب دیگران نیامد
 ما باید از ملاقات هر شخص استفاده کنیم - اگر دیگران بهتر و زیادتر
 علم و فن را داراست از او چیزی یاد بگیریم اگر ما از او بلندتریم با او
 افاده کنیم - وقت باید درین معاملات صرف شود و در غیبت

صَبْر

در جای که غم و اندوه هجوم کند و هم دروسی و مواسات دیگرے
نیز تاثیر نکند چه باید کرد! اگر صدمه مرگ است تا تم زده از گریه
بے اختیار می منع نباید داشت چه سعی عجب است است البتہ

درین سخنان چند کوشش حتی المقدور مفید خواهد بود۔

(۱) بعد از وقوع سانحه خانه بلکه شهر نیز چندے تبدیل شود

و در موضع دیگر ماتم پرس نامزاج شناسی کرده اگر

از هجوم اقربا و رفقا طبیعتش پریشان فقط یکدو دست

نزدیک باشند۔

(۲) اگر اشتهاے غذا نباشد شیر و سنجی و غیره اغذیہ

لطیف باید خورد که باندک مقدار تقویت میدهد۔

اگر غذا خورده نشود ضعف لاحق گشته جلب مرض نماید

(۳) باید صدمه رسیدار و گردو وقت یا یکبار بهو احواری برید سو

جائیکه دورفت دم زیاد نباشد۔ مطلب از هجوم احواری تنها

صحت جسمانی نیست بلکه تبدیل مقام و خیال نیز است۔

موضوع این کتاب استوار است

۴- باید خیال آن فوت از دل کشیده شود و سعی بسیار آن
 در زنده شود. نتایج خط ناک ریج و غم و بی هوگی آنرا
 خوب یقین کرده آن خیال عجب را بدیگر طرف منتقل
 باید ساخت.

۵- شخص غم زده باید دانست که ازین مصیبت احدی
 کزینیت و کس هر چند فدائی باشد غم زده را
 ازین زمانیده نمیدانند پس غم چه فائده خواهد کرد.
 ۶- این یقین هم باید داشت که این فراق چند روز است
 بعد از چند ماه بمتعلق خواهد بود.

۷- از همه این امر است که برای متوفی افاده کنیم اگر
 در جدایش میفریم البته دوستش داریم و رسانیدن
 نفع با او واجب است پس برای مغفرتش
 دعا خوانیم. برای قرآنی متعلق آخرت فکر مود
 اطمینان قلب بدیو و بسیار وقت در تلاوت
 کلام ربانی صرف نمانیم.

۸- تقاضای محبت مرحوم اینست که با پیمانگانیش
 خصوصاً با یوه و شیش و بجائی نمانیم و تدابیر آسایش
 آنها را در عمل آرییم و همانقدر و فایده با مرحوم داشتهیم
 از آن بیشتر با پیمانگان سجا آرییم.

۹- بعد از نمازهای پنجگانه برای مرحوم دعا کرده
 شود و برای خود نیز توفیق صبر عطا شود و رضا
 بقضای حق تعالی حاصل آید.

در مصیبت رنج و غم امر طبیعی است اما در جزع و فزع
 منهک شدن و از اعتدال گذشتن خفت طبع است
 اعتدال را همیشه در هر کار مد نظر باید داشت آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم بر هرگز فرزندشان ابراهیم را
 شدند اما اعتدال نگذشتند افراد احباب
 غمزده او صاف مرحوم با تکالیف مرض و موتش را
 بتکرار بیان نکنند و چون ذکر شود آن حصه را فرود گذارند
 که در آن غم آورنی باشد.

شرح مباحث حق مریض

خوش مزاجی بصحت و توانایی انسان بسیار اثر می اندازد
 و بد مزاجی برعکس آن ارتقا رستی میگذارد - اجراض اطباء میگویند
 که اگر روزی یکبار یاد و خنده کرده شود بر لک صحت بسیار
 مفید است - اما آیا بر کسی میتواند؟ عموماً این خیال است که خوشی
 مزاجی یا بد مزاجی امر اختیاری نیست بلکه خلقی است، اما اختیاً
 و اکتسابی نیز درین دخلی دارد که از سعی تبدیل عادت میشود
 اگر شخصی بر کوتاهی افسوس خود نظر نراند اخته از فوائد خوشی
 مزاجی آگاه گردد درین امر کامیاب میگردد.

هر انسان تابع رنج و غم است و صدمات چند برایش مقدر است
 اما این حوادث بپذیری میگذرد - بد مزاجی چیز دیگر است و خفاصت
 خواه میخواهد ترش روی و همین بچین است و مانند مصیبت و گمان
 خاموشی دیگران خوش و خرم اند و او محزون و خشمناک گویا
 بد مزاجی مثل مسه دای است - کلام خوشی را بقیه اش برایش میگوید

شرح مباحث حق مریض

چون دوره این علت نمودار شود آنگاه است خواهم ساخت
 پس چون آثار آن عیان گردد فوراً مطلعش سازد که بد مزاجی را
 دور کند و در چنین کیفیت اخبار سے کتب بے برایش بدید
 که بخواند و دیگران را بشنود اندر این طریق، خاموشی که
 تمهید این علت است شاید مبدل خوش مزاجی گردد ورنه
 ازین حادثه مذموم نه تنها خانم بد مزاج بلکه همه عالمه از وجه او
 بتنگ میآید بلکه در حالت بیماری و غیره کسی بیمار نشد بخورد
 که از آن مزاجش بهتر میگردد و چنین خانم باید اصلاح
 خلق خود بنماید اگر تضاد فاکدام امر خیر سے ناگوار طبع شان
 وقوع پذیرد از آن درگذرد و چنان عادت گیرند که بر حضانة
 دیگران چشم پوشی نموده و از لغزشهای معمولی اغماص و زبده
 طبیعت خود را در ضیق و فشار نیارند بلکه سعی کنند که در هر
 حال خوشی و غم گردند.
 خامه خوش مزاج اشیا سے رکیک و سخنان خلاف طبع خود
 سخنان نیارند و بر پہلو سے روشن ہر امر نظر انداختہ نگاہ